

تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۲

حسن عابدی جعفری *

محمدسعید تسلیمی **

ابوالحسن فقیهی ***

محمد شیخ زاده ****

چکیده

یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی، تحلیل مضمون است که به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود، اما به ندرت معرفی شده است. از تحلیل مضمون می‌توان به خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد. تحلیل قالب مضامین و تحلیل شبکه مضامین نیز از ابزارهایی هستند که معمولاً در تحلیل مضمون به کار می‌روند. قالب مضامین، فهرستی از مضامین را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد. شبکه مضامین نیز ارتباط میان مضامین را در نگاره‌هایی شبیه تارنما نشان می‌دهد.

هدف این مقاله، معرفی تحلیل مضمون و فنون مرتبط با آن به صورت خلاصه و کاربردی است. از این رو، نخست، جایگاه تحلیل مضمون در تحقیقات کیفی بررسی می‌شود. سپس برخی مفاهیم، فنون و تصمیم‌های مهم در تحلیل مضمون، به طور خلاصه، توضیح داده می‌شود. در ادامه، با جمع‌بندی روش‌های مختلف تحلیل مضمون، فرایند گام‌به‌گامی جهت اجرای تحلیل مضمون، معرفی و به برخی دام‌های بالقوه این فرایند، اشاره می‌شود.

در بخش پایانی مقاله، معیارهای ارزیابی روایی و پایایی تحلیل مضمون توضیح داده می‌شود و با ذکر مزایا و معایب این روش، پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی، عرضه می‌شود. همچنین، در بخش‌هایی از مقاله، برای درک بهتر مطالب، مثال‌هایی از تحقیقی که با استفاده از این روش و به کمک نرم‌افزار رایانه‌ای تحقیق کیفی انجام شده است عرضه می‌شود.

واژگان کلیدی

تحقیق کیفی، مضمون، تحلیل مضمون، شبکه مضامین، داده‌های متنی، الگو

h_abedijafari@yahoo.com

taslimi@ut.ac.ir

faghihi@iams.ir

Sheikhzadeh@ut.ac.ir

* استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

** استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

*** استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد

**** دانشجوی دکتری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

تحقیقات کیفی در علوم اجتماعی رشد چشمگیری دارد (Braun & Clarke, 2006; Attride-Stirling, 2001). برای کسب نتایج مفید و با معنی در تحقیقات کیفی، لازم است داده‌ها به صورت روشمند تحلیل شود؛ اما متأسفانه ابزارهای تحلیلی اندکی در این زمینه وجود دارد؛ به طوری که پژوهشگران معمولاً تمایل پیدا کرده‌اند پرسش مربوط به چگونگی را از تحلیل‌های خود حذف کنند. با این حال، رشد معتابه استفاده از تحلیل‌های کیفی، امیدوارکننده است اما همچنان به ابزارهای پیشرفته‌تری جهت تسهیل این تحلیل‌ها، نیاز است. همچنین، لازم است درک بهتری از تحلیل کیفی حاصل شود تا با اطمینان بتوان از آن به عنوان روشی قوی و مناسب استفاده کرد. این امر، تنها با ثبت نظام‌مند و تبیین روش‌های تحلیل امکان‌پذیر است؛ به گونه‌ای که فنون موجود، تسهیم و با بهبود آن‌ها، ابزارهای جدید و بهتری، پردازش شود.

یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون^۱ است. در واقع، تحلیل مضمون، اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران یاد بگیرند. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند (Holloway & Todres, 2003). تحلیل مضمون، یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است؛ به همین دلیل، بویاتزیس^۲ (۱۹۹۸، ص ۴)، آن را نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف، معرفی می‌کند. ریان^۳ و برنارد^۴ (۲۰۰۰) نیز کدگذاری مضامین را فرایند پیش‌نیاز تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی، معرفی می‌کنند تا روشی منحصر به فرد و خاص. اما به عقیده براون^۵ و کلارک^۶ (۲۰۰۶)، تحلیل مضمون را باید روش ویژه‌ای در نظر گرفت که یکی از مزایای آن، انعطاف‌پذیری است.

در این مقاله سعی می‌شود تحلیل مضمون و فنون مرتبط با آن به صورت خلاصه و کاربردی معرفی شود. در بخش نخست مقاله، جایگاه تحلیل مضمون در تحقیقات کیفی و در بخش دوم، چستی مضمون و چگونگی شناخت آن در داده‌های متنی بررسی می‌شود. در ادامه بحث، برخی از مفاهیم و فنون تحلیل مضمون، به طور خلاصه معرفی می‌شود. سپس به تصمیمات مهمی که قبل از شروع تحلیل مضمون باید صورت

گیرد اشاره می‌شود. همچنین، فرایند گام‌به‌گام تحلیل مضمون، توضیح داده می‌شود. در بخش پایانی مقاله، به برخی معیارهای ارزیابی تحلیل مضمون و مزایا و معایب آن، اشاره و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی عرضه می‌شود.

۱. جایگاه تحلیل مضمون در تحقیقات کیفی

در این بخش، نخست، روش تحلیل مضمون و برخی از تحقیقات مرتبط با آن، معرفی و سپس این روش با برخی از روش‌های کیفی مقایسه می‌شود.

۱-۱. تعریف تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود. به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

الف- دیدن متن؛

ب- برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛

ج- تحلیل اطلاعات کیفی؛

د- مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛

ه- تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (Boyatzis, 1998, p. 4).

۲-۱. مروری بر تحقیقات گذشته

بویاتزیس که یکی از صاحب‌نظران برجسته تحلیل مضمون است و با استفاده از این روش، تحقیقات مختلفی در حوزه علوم رفتاری انجام داده است، از دیوید مک‌کله‌لند به عنوان یکی از پایه‌گذاران اصلی این روش یاد می‌کند. وی در کتاب خود، تبدیل اطلاعات کیفی؛ تحلیل مضمون و تدوین کد^۷ - که در سال ۱۹۹۸ نوشته است - با رویکردی جامع و کاربردی، روش تحلیل مضمون را معرفی می‌کند. وی در بخش آغازین کتاب به این موضوع اشاره می‌کند که اولین بار در سال ۱۹۶۷ با فونونی که آنها

را دیوید مک‌کله‌لند، جان اتکینسون و جوزف وروف جهت آزمون درک مضمون، توسعه داده بودند آشنا شده است؛ این آشنایی باعث شد تا وی درباره کاربرد روش‌های مضمونی در بررسی شخصیت و انگیزش، مطالعه کند. چارلز اسمیت^۹ (۱۹۹۲) نیز در کتابی با عنوان *انگیزش و شخصیت: مرجع تحلیل محتوای مضمونی*^۹ روش‌های درک مضمون را معرفی کرده است. پژوهشگرانی مانند براون و کلارک، کینگ^{۱۰} و آتراید-استیرلینگ^{۱۱} نیز نقش مهمی در معرفی و توسعه این روش داشته‌اند.

تحلیل مضمون، یکی از روش‌های رایج کیفی است که پژوهشگران رشته‌های ادبیات، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ، هنر، علوم سیاسی، علوم اجتماعی، اقتصاد، ریاضیات، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و پزشکی از آن استفاده کرده‌اند که نمونه‌هایی از این تحقیقات در جدول ۱ ارائه شده است.

پژوهشگران علوم اجتماعی و انسانی، غالباً از تحلیل مضمون جهت شناخت الگوهای کیفی و کلامی و تهیه کدهای مرتبط با آنها استفاده می‌کنند. مثلاً، مشاور مدیریت از تحلیل مضمون جهت تجزیه و تحلیل روندهای جدید در بازار و تدوین راهبرد مطلوب سازمان یا شناخت فرهنگ سازمانی بهره می‌برد.

جدول ۱. برخی تحقیقات که با روش تحلیل مضمون انجام شده است

ردیف	موضوع تحقیق	نوع تحقیق	پژوهشگر	سال
۱	بررسی و تدوین سبک رهبری زنان	مقاله پژوهشی	Stanford, Oates, Flores	۱۹۹۵
۲	بررسی تأثیر ساختار سازمانی در ادراک کارکنان	مقاله پژوهشی	Mullen, Kochan	۲۰۰۰
۳	بررسی دیدگاه دانشجویان برتر دانشگاه نسبت به موفقیت	مقاله پژوهشی	Ponsford, Lapadat	۲۰۰۱
۴	بررسی متون فلسفی با استفاده از تحلیل مضمون	گزارش تحقیقاتی	Forest, Piron	۲۰۰۲
۵	بررسی تأثیر رفتار رهبر کارزماتیک در اعتماد پیروان	مقاله پژوهشی	Tan, Wee	۲۰۰۲
۶	بررسی الگوی رهبری خدمتگزار سه زن پیشکسوت در مانیل	رساله دکتری	Crippen	۲۰۰۴
۷	بررسی نقش بازخورد در خودارزیابی پرستاران در استرالیا	مقاله پژوهشی	Fereday, Muir-Cochrane	۲۰۰۶
۸	تحلیل رفتار رهبران نظامی در شرایط کاملاً بحرانی	پایان نامه	Crosby	۲۰۰۸
۹	بررسی رابطه میان ادراک کارکنان از رهبری خدمتگزار و رضایت شغلی	رساله دکتری	Chu	۲۰۰۸
۱۰	بررسی وضعیت رهبری در یک دانشکده علوم دینی	پایان نامه	Millar	۲۰۱۰
۱۱	بررسی دیدگاه زنان در جایگاه رهبری آموزش عالی	پایان نامه	Vali	۲۰۱۰
۱۲	بررسی مضامین مطرح در کتب مقدس (عهد عتیق)	گزارش تحقیقاتی	Midrash	۲۰۱۱
۱۳	بررسی تجارب و دیدگاه افراد نسبت به بیکاری در اتریش	گزارش تحقیقاتی	Delaney, Egan, O'Connell	۲۰۱۱
۱۴	بررسی سبک رهبری رم باستان و مقایسه آن با سبک‌های نوین رهبری	پایان نامه	Ahn	۲۰۱۱
۱۵	تدوین الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) ^{۱۲}	رساله دکتری	شیخزاده	۱۳۹۰

۱-۳. مقایسه روش تحلیل مضمون با سایر روش‌ها

به طور کلی، روش‌های تحلیل کیفی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته، روش‌هایی هستند که عمدتاً از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی نشئت می‌گیرند مانند تحلیل محاوره^{۱۳} و تحلیل پدیدارشناسی تفسیری^{۱۴} که به‌کارگیری آن‌ها تنوع نسبتاً محدودی دارد؛ برخی از این روش‌ها نیز، مانند نظریه داده‌بنیاد^{۱۵} از چارچوب نظری کلانی بهره می‌برد.

دسته دوم، روش‌هایی است که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی هستند و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آنها استفاده کرد. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد؛ از این رو، ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، می‌توان از آن استفاده کرد (Braun & Clarke, 2006).

روش‌های کیفی بسیار متنوع و پیچیده هستند و تفاوت‌های بسیار جزئی و مختصری با هم دارند. تحلیل مضمون را می‌توان یکی از روش‌های بنیادین تحلیل کیفی در نظر گرفت که با سایر روش‌های تحلیل که به دنبال تشریح الگوهای داده‌های کیفی هستند -مانند روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، نظریه داده‌بنیاد، تحلیل گفتمان^{۱۶} و تحلیل محتوا^{۱۷}- فرق دارد.

روش تحلیل پدیدارشناسی تفسیری به دنبال شناخت الگوهایی در داده‌هاست که در چارچوبی نظری قرار می‌گیرند. در معرفت‌شناسی پدیدارشناختی مرتبط با روش فوق به تجربه اهمیت داده می‌شود. این روش به دنبال شناخت پدیده از طریق درک تجربه واقعی افراد در زندگی روزمره است.

در نظریه داده‌بنیاد نیز بسیار از مجموعه روش‌هایی مشابه تحلیل مضمون برای کدگذاری داده‌ها استفاده می‌شود؛ اما تحلیل مضمون به اصول نظریه داده‌بنیاد (که مستلزم تحلیل جهت رسیدن به نظریه است) پایبند نیست. به عقیده براون و کلارک (۲۰۰۶) در تحلیل مضمون، در صورتی که پژوهشگر نخواهد به نظریه کامل برسد نیازی ندارد به اصول نظریه داده‌بنیاد پایبند باشد. ضمن اینکه در نظریه داده‌بنیاد، تحلیل

از منبع داده شروع می‌شود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد؛ ولی در تحلیل مضمون، همه منابع داده، بررسی و مضامین کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شود. تحلیل گفتمان نیز به طیف وسیعی از تحلیل‌های مبتنی بر الگو اطلاق می‌شود که در معرفت‌شناسی ساخت‌گرایی مطرح می‌شود و بر اساس آن، الگوهای جامعه، شناخته می‌شود. تحلیل تجزیه‌ای مضامین^{۱۸} نیز الگوهایی را می‌شناسد که در آنها از زبان برای فهم ساختار اجتماعی استفاده می‌شود. این روش‌های مختلف، به جای یک داده خاص، به دنبال مضامین یا الگوهای معینی در کل داده‌ها می‌گردند (مانند مصاحبه شخصی یا مصاحبه‌های مختلفی که با شخص در مورد کاوی و شرح حال‌نویسی صورت می‌گیرد). بنابراین، چنین روش‌هایی نیز تا حدودی با تحلیل مضمون هم‌پوشانی دارند. از آن جا که تحلیل مضمون به روش‌های نظری و فنی خاصی (مانند نظریه داده‌بنیاد و تحلیل گفتمان) نیاز ندارد، از آن می‌توان به مثابه روش تحلیلی ساده‌تر و راحت‌تری در ابتدای تحقیقات کیفی استفاده نمود (Braun & Clarke, 2006).

تحلیل محتوا، یکی دیگر از روش‌هایی است که می‌تواند جهت شناخت الگوهای داده‌های کیفی به کار رود و تا حدودی شبیه تحلیل مضمون است. با این حال، تحلیل محتوا بیشتر بر سطوح خردتر تمرکز دارد و غالباً فراوانی داده‌ها را نشان می‌دهد و امکان تحلیل کمی داده‌های کیفی را فراهم می‌کند. یکی از اشکالات تحلیل محتوا این است که یا معمولاً به بافت داده‌ها توجه نمی‌شود یا بسیار کم توجه می‌شود و این امر باعث می‌شود غنای داده‌ها به شدت کاسته شود. ولی در تحلیل مضمون، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها، بیشتر توجه می‌شود. همچنین، تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند. سپس، از کدهای مضامین اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. در تحلیل مضمون می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آنها و تهیه ماتریس مضامین و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد (Namey et al, 2007).

تحلیل محتوای مضمونی^{۱۹}، یکی از روش‌های تحلیل محتواست که با تحلیل مضمون در شناخت مضامین مشترک داده‌ها، مشابهت دارد. اما پژوهشگر بر اساس

معرفت‌شناسی عینیت‌گرا، آن را به کار می‌گیرد. در تحلیل محتوای مضمونی، بر خلاف تحلیل مضمون، از تفسیر در کمترین حد ممکن، استفاده و صرفاً از آن برای نامگذاری و گروه‌بندی مضامین استفاده می‌شود. در تحلیل محتوای مضمونی به احساسات و افکار پژوهشگر درباره مضامین، اعتنایی نمی‌شود. به همین دلیل، پژوهشگر از هر گونه تفسیر و توضیح معانی مضامین، پرهیز می‌کند و صرفاً در بحث نتیجه‌گیری به طور خیلی مختصر، مضامین را توضیح می‌دهد. به طور کلی، تحلیل محتوای مضمونی، بیشتر، تحلیل توصیفی است در حالی که تحلیل مضمون، تحلیل تفسیری است (Anderson, 2007).

بنابراین، تحلیل مضمون، بر خلاف روش‌های کیفی فوق، به چارچوبی نظری - که از قبل وجود داشته باشد- وابسته نیست، و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف، استفاده کرد. همچنین، تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود (Braun & Clarke, 2006). البته، به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود؛ این امر، مستلزم به‌کارگیری کدگذاران مستقل است و باعث می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب کند.

۲. چستی مضمون و چگونگی شناخت آن در متن

یکی از بحث‌های اساسی تحلیل مضمون این است که مضمون چیست؟ و چرا و چگونه در داده‌ها شناخته می‌شود؟ در این بخش، به این سؤالات پاسخ داده می‌شود؛ از این رو نخست، مضمون و انواع آن، معرفی و سپس به برخی روش‌های شناخت مضمون در میان داده‌های متنی اشاره می‌شود.

۲-۱. تعریف مضمون

قبل از پرداختن به انواع مضمون و روش شناخت آن، باید درک درستی از معنی «مضمون»^{۲۰} داشته باشیم. در ادبیات روش‌شناسی، چندان به معنی این مفهوم پرداخته

نشده است؛ و غالباً از آن به مثابه الگویی که مبین نکته جالبی درباره موضوع تحقیق است و با استفاده از شعور متعارف شناخته می‌شود یاد شده است. مضمون یا تم^{۲۱}، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006). مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (Boyatzis, 1998, p. 4).

به طور کلی، مضمون، ویژگی^{۲۲} تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است (King & Horrocks, 2010, p. 150).

۲-۲. نوع‌شناسی مضمون

با توجه به تنوع روش‌های به‌کاررفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران، مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی دیگر به لحاظ جایگاه و سلسله مراتب آن‌ها در تحلیل مضمون، دسته‌بندی کرده‌اند. خلاصه‌ای از انواع مضمون‌ها با توجه به مبنای طبقه‌بندی آن‌ها در جدول ۲ ارائه شده است. البته ممکن است این عناوین، هم‌پوشانی داشته باشد و یا به جای هم به کار رود. ولی آنچه مهم است استفاده از عناوینی مناسب برای مضمون‌ها، با توجه به فنون و روش‌های به‌کاررفته در تحقیق است.

جدول ۲. انواع مضامین از دیدگاه صاحب نظران

پژوهشگر	شرح مضمون	انواع مضمون	مبنای طبقه‌بندی
Ryan & Bernard, 2003	<ul style="list-style-type: none"> • در مراحل اولیه تحقیق، شناخته می‌شود. • در گزارش نهایی تحقیق، عرضه می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> • اولیه^{۲۳} • نهایی^{۲۴} 	زمان شناخت مضمون
King & Horrocks, 2010, p. 153	<ul style="list-style-type: none"> • آنچه در متن آمده، همان گونه توصیف می‌کند. • آنچه در متن آمده، تعبیر و تفسیر می‌کند. • نشان‌دهنده نوع رابطه در متن است. 	<ul style="list-style-type: none"> • توصیفی^{۲۵} • تفسیری^{۲۶} • رابطه‌ای^{۲۷} 	ماهیت مضمون در متن
King, 2004, p. 258; Ryan & Bernard 2003	<ul style="list-style-type: none"> • در سطوح بالاتر سلسله مراتب مضامین قرار می‌گیرد. • در سطوح پایین‌تر سلسله مراتب مضامین قرار می‌گیرد. 	<ul style="list-style-type: none"> • اصلی^{۲۸} • فرعی^{۲۹} 	سلسله مراتب مضمون در قالب مضامین
Attride-Stirling, 2001	<ul style="list-style-type: none"> • در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد. • واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است. • مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> • فراگیر^{۳۰} • سازمان‌دهنده^{۳۱} • پایه^{۳۲} 	جایگاه مضمون در شبکه مضامین
Braun & Clarke, 2006	<ul style="list-style-type: none"> • به صورت مستقیم در متن مشاهده‌پذیر باشد. • به صورت مستقیم در متن مشاهده‌پذیر نباشد. 	<ul style="list-style-type: none"> • مشهود^{۳۳} • مکنون^{۳۴} 	قابلیت مشاهده مضمون در متن
	<ul style="list-style-type: none"> • بر اساس داده‌های تحقیق، شناخته می‌شود. • بر اساس نظریه‌ها و تحقیقات، شناخته می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> • داده‌محور^{۳۵} • نظریه‌محور^{۳۶} 	منشأ شناسایی مضمون
King & Horrocks, 2010, p. 159	<ul style="list-style-type: none"> • بخش عمده‌ای از مضامین و کدهای شناخته را در خود جای می‌دهد. • مضامین کلیدی را حول یک محور مشترک گرد هم می‌آورد. • مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن است. 	<ul style="list-style-type: none"> • کلان^{۳۷} • یکپارچه‌کننده^{۳۸} • کلیدی^{۳۹} 	نقش مضمون در تحلیل
Richards, 2008	<ul style="list-style-type: none"> • جایگاه و ارتباط آن با سایر مضامین، مشخص نیست. • جایگاه و ارتباط آن با سایر مضامین، مشخص است. 	<ul style="list-style-type: none"> • تثبیت نشده^{۴۰} • تثبیت شده^{۴۱} 	تثبیت موقعیت مضمون

۲-۳. روش‌های شناخت مضمون

شناخت مضمون، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی، قلب تحلیل مضمون است. شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و سؤالات تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع، در نحوه شناخت مضامین، تأثیر می‌گذارد.

از آنجا که تحلیل مضمون، تحلیلی کیفی است، پاسخ روشن و سریعی برای این وجود ندارد که مقدار داده‌های مناسب و مورد نیاز - که دلالت بر وجود مضمون یا اطلاق آن کند - چقدر است. بنابراین، مضمون، لزوماً به معیارهای کمی بستگی ندارد؛ بلکه به این بستگی دارد که چقدر به نکته مهمی درباره سؤالات تحقیق می‌پردازد (Braun & Clarke, 2006).

طبق نظر براون و کلارک (۲۰۰۶) و کینگ و هاروکس (۲۰۱۰، ص ۱۴۹)، به رغم این که قاعده کاملاً مشخصی درباره شناخت مضمون وجود ندارد اما می‌توان جهت تعریف و شناخت آن از اصول راهنمای مناسبی استفاده کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

■ اولاً، شناخت مضمون هرگز به معنی صرفاً یافتن نکته جالبی در داده‌ها نیست، بلکه مستلزم آن است که پژوهشگر مشخص کند در داده‌ها باید دنبال چه چیزی باشد؟ از چه چیزهایی باید صرف‌نظر و چگونه باید داده‌ها را تحلیل و تفسیر کند؟

■ ثانیاً، واژه «مضمون» به طور ضمنی و تا حدی، مبین «تکرار» است؛ لذا مسئله‌ای را که صرفاً یکبار در متن داده‌ها ظاهر شود نمی‌توان «مضمون» به حساب آورد (مگر آنکه نقش برجسته و مهمی در تحلیل نهایی داده‌ها داشته باشد). به طور معمول، تکرار به معنی مشاهده و ظاهر شدن در دو یا چند مورد در متن است.

■ ثالثاً، مضامین باید از یکدیگر متمایز باشد. با وجود اینکه هم‌پوشانی در میان مضامین تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است اما اگر مرز کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای میان مضامین مختلف وجود نداشته باشد نمی‌توان درک درستی از تحلیل‌ها و تفسیرها عرضه کرد.

به طور کلی روش‌های مختلفی برای شناخت مضامین وجود دارد. در جدول ۳، روش‌های مناسبی جهت شناخت و کشف مضامین در متن پژوهی^{۴۲} از دیدگاه ریان و برنارد (۲۰۰۳) ارائه شده است. البته پژوهشگر باید تا حدودی منعطف باشد زیرا تبعیت صرف از قواعد در شناخت مضامین، کاربردی ندارد.

جدول ۳. روش‌ها و فنون مناسب جهت شناخت مضامین در متن پژوهی

روش شناخت مضمون	فنون	نحوه کاربرد
توجه به کلمات در متن	<ul style="list-style-type: none"> • توجه به کلمات تکراری • توجه به کلمات مکون • توجه به کلمات کلیدی 	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت کلمات و عبارات مترادف و تکراری • شناخت اصطلاحات و عبارات ظاهراً ناآشنا • شناخت واژه‌های کلیدی و مصادیق آنها
موشکافی و دقت در متن	<ul style="list-style-type: none"> • مقایسه و هم‌سنجی • کاوش موضوعات مهم • جست‌وجوی اطلاعات مفقود 	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود • شناخت موضوعات برجسته و مهم نظری • شناخت مسائلی که بدیهی فرض شده یا بدان‌ها اشاره نشده است
توجه به آرایه‌های ادبی و خصوصیات زبان‌شناختی متن	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی استعاره‌ها • توجه به تغییرات متن • کشف رابطه‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> • شناخت استعاره‌ها، تشبیهات و کنایه‌ها • شناخت تغییرات محسوس در موضوع یا لحن بیان • شناخت واژه‌های مبین رابطه علی یا شرطی و ...
دستکاری و جابه‌جایی فیزیکی متن	<ul style="list-style-type: none"> • به‌کارگیری ماژیک برای برجسته کردن متن • توجه به بخش‌های رنگ‌نشده متن • برش و جایگذاری مطالب و مرتب کردن متن 	<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از ماژیک یا خودکار با رنگ‌های متفاوت جهت برجسته کردن قسمت‌های مورد نظر • شناخت بخش‌هایی از متن که برجسته نشده و یا زیر آن خط‌کشی نشده است • شناخت بخش‌های مرتبط با هم و برش و انتقال آن‌ها در کنار هم و مرتب کردن مجدد متن

۳. ابزارها و روش‌های تحلیلی تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، طیف گسترده‌ای از روش‌ها و فنون را در بر می‌گیرد. در فرایند تحلیل مضمون با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق می‌توان از روش‌های تحلیلی مناسب آن استفاده کرد. در این بخش، چهار روش کاربردی مناسب در تحلیل مضمون (که گاهی

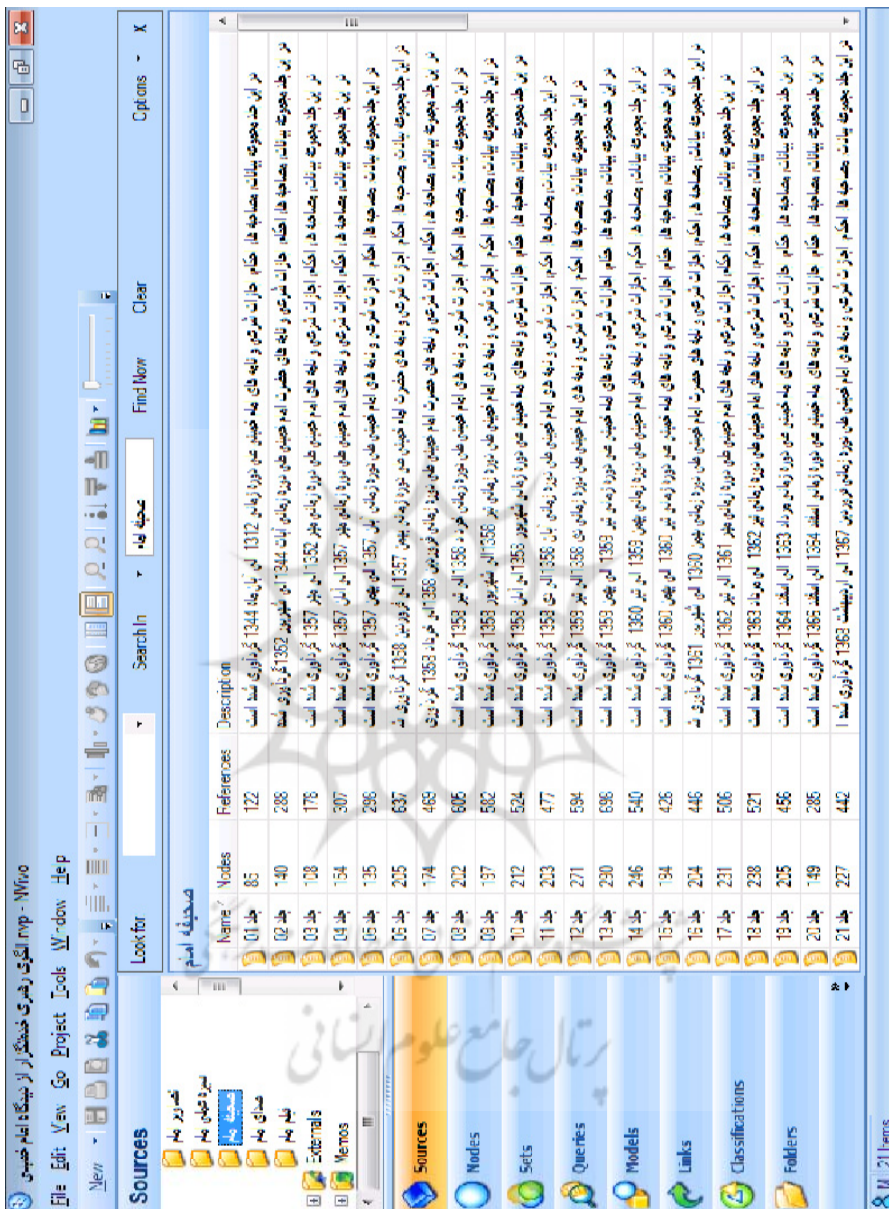
روش‌های جایگزین تحلیل مضمون نیز مطرح می‌شوند (معرفی می‌شود). اما از آنجایی که اکثر این روش‌ها در نرم‌افزارهای رایانه‌ای تحقیق کیفی^{۳۳} تعبیه شده است، ابتدا نقش و کاربرد این نرم‌افزارها را در تحلیل مضمون بررسی می‌کنیم و در ادامه، نمونه‌هایی از کاربرد آن در مراحل مختلف تحلیل داده‌ها، ارائه می‌شود.

۳-۱. کاربرد نرم‌افزارهای رایانه‌ای در تحلیل مضمون

نرم‌افزارهای رایانه‌ای، نقش بسزایی در توسعه کاربرد تحلیل مضمون در تحقیقات کیفی داشته‌اند. در سال‌های اخیر، پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه نرم‌افزارهای تحقیق کیفی، هم به لحاظ تنوع و هم به لحاظ کارایی آن‌ها صورت گرفته است. این امر باعث شده است پژوهشگران با سرعت و دقت بیشتر و زمان کمتری، تحقیقات را انجام دهند (Wickham & Woods, 2005). برخی نرم‌افزارهایی که تحلیل مضمون را می‌توان به کمک آنها انجام داد عبارت‌اند از: NVivo, ATLAS.ti, CAITA, Kwalitan, Quarlus, MAXQDA, Weft QDA.

در بین این نرم‌افزارها، NVivo و ATLAS.ti کاربرد بیشتری دارند. این نرم‌افزارها، امکانات و ابزارهای مختلفی در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. امکان کدگذاری متن، تخصیص کدها به مضامین، مرتبط کردن یادداشت‌های پژوهشگر با کدها، قابلیت جست‌وجوی پیشرفته و عملیات بازخوانی داده‌های کدگذاشته از این جمله است.

نرم‌افزار NVivo 8، ابزارهای قدرتمندی را جهت تحلیل داده‌ها و بررسی روابط میان مضامین در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد (Richards, 2008). نویسندگان مقاله در تحقیقی، از این نرم‌افزار جهت تحلیل مضمون صحیفه امام (ره) استفاده کرده‌اند که نمایی از کاربرد آن در نگاره ۱ نشان داده شده است. در این نگاره، تعداد مضامین شناخته، همراه با تعداد کدهای مرتبط با آن‌ها به تفکیک هر جلد از صحیفه امام (ره) آمده است؛ مثلاً، تعداد ۸۵ مضمون^{۴۴} با ۱۲۲ کد^{۴۵} در جلد اول صحیفه امام (ره)، برای الگوی رهبری خدمتگزار، شناخته و کدگذاری شده است. در ادامه بحث، نمونه‌هایی از کاربرد این نرم‌افزار در تحقیق فوق، عرضه خواهد شد.



نمودار ۱. نمایشی از نرم افزار NVivo 8 در تحلیل مضمون صحیفه امام (ره)

البته واضح است که نرم‌افزار فقط می‌تواند در سازماندهی و بازیابی داده‌ها به پژوهشگر کمک نماید و نمی‌تواند به تنهایی درباره داده‌ها قضاوت کند. با این حال، استفاده از چنین نرم‌افزارهایی پژوهشگر را قادر می‌کند به طور مؤثر و کارآمد با مضامین پیچیده و حجم زیادی از داده‌های کدگذاشته، کار کند. این نرم‌افزارها همچنین به عمق و پیچیدگی تحلیل کمک می‌کند. ممکن است مدت زمان مورد نیاز جهت آشنایی با نحوه کار این نرم‌افزارها و آماده کردن داده‌ها جهت ورود به نرم‌افزار باعث شود برخی پژوهشگران چنین نرم‌افزارهایی را به کار نبرند. با این حال، بهبودهای اخیر در زمینه نرم‌افزارها و ورود داده‌ها، باعث شده است که استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل مضمون خصوصاً در پروژه‌های تحقیقاتی بزرگ، مقرون به صرفه باشد؛ زیرا این نرم‌افزارها، امکان تحلیل داده‌های زیاد و متنوع را با استفاده از ابزارهای مختلف و مناسب فراهم می‌کند.

۳-۲. قالب مضامین

یکی از روش‌های تحلیلی مناسب در تحلیل مضمون، تحلیل قالب مضامین^{۴۶} است. قالب مضامین معمولاً در تحقیقاتی به کار می‌رود که تعداد متون و داده‌های آن‌ها زیاد باشد (مثلاً ۱۰ تا ۳۰ منبع). این روش -را که نخستین بار کینگ (۱۹۹۸، ص ۲۶۷) معرفی کرد- فهرستی از مضامین شناخته در ادبیات نظری و یا استخراج‌شده از متن داده‌ها را به صورت درختی و سلسله مراتبی نشان می‌دهد. ویژگی کلیدی این روش، سازماندهی سلسله مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین سطوح پایین‌تر در قالب خوشه‌ها و ایجاد مضامین سطح بالاتر از آنها است. پژوهشگر می‌تواند جهت سازماندهی مضامین شناخته، از چهار یا پنج سطح استفاده کند. پس از ایجاد قالب مضامین، این قالب به طور پیوسته، بازبینی و اصلاح می‌شود تا جایی که درک کاملی از متن برای پژوهشگر فراهم شود. جهت اصلاح قالب مضامین می‌توان مضمونی را حذف و یا مضمون جدیدی را اضافه کرد. همچنین می‌توان قلمروی مضمون و سطح و جایگاه آن را در سلسله مراتب تغییر داد. در صورتی می‌توان ادعا کرد که قالب مضامین، نهایی و تکمیل شده است که اولاً همه داده‌ها کدگذاشته، باشد، ثانیاً حداقل دو

بار، داده‌های کدگذاشته، مطالعه شود و ثالثاً نظر دو یا چند خبره درباره سلسله مراتب مضامین پرسیده شود (King, 2004, p. 263).

نمونه‌ای از قالب مضامین مستخرج از صحیفه امام (ره) درباره چرایی، چیستی و چگونگی رهبری خدمتگزار - که با نرم‌افزار NVivo 8 تهیه شده، در نگاره ۲، ارائه شده است. البته، در این نگاره، صرفاً سطوح مختلف مضمون رفتار خادمانه رهبر و مضمون خدمتگزاری، آمده است. اعداد روبه‌روی هر مضمون، مبین تعداد کدها و منابع^{۴۷} یا تعداد مجلد صحیفه امام (ره) است که به آن مضمون ارجاع داده شده است. مثلاً، مضمون تواضع در ۲۰ جلد از صحیفه امام (ره) و در ۸۰ کد مشاهده شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Name	References	Sources
جهان رهبری خدمتگزار	0	0
جهان رهبری خدمتگزار	0	0
اصول جهانیه رهبر	0	0
رهبر جهانیه رهبر	0	0
بانیگویی	8	7
رهبر و توانمندسازی	42	13
مجموعه رهبری	59	15
مردم بزرگ	55	16
خدمتگزار	71	19
فرهنگ رهبر	45	16
رهبری و گفت	36	17
سازمان رهبری	71	19
فرهنگ رهبری	80	20
فرهنگ رهبری	82	20
خدمت به رهبران	183	21
خدمت به رهبران و رهبران رهبری	113	21
رهبران رهبری	126	21
رهبران رهبری	38	21
جهان رهبری خدمتگزار	243	21

نمودار ۲. نمونه‌ای از قالب مضامین الگوی رهبری خدمتگزار در صحیفه امام (ره)

از آنجا که قالب مضامین، روابط میان مضامین را به صورت خطی نشان می‌دهد، به منظور درک بهتر روابط میان مضامین، از روش‌های تحلیلی دیگری همچون ماتریس مضامین و شبکه مضامین استفاده می‌شود.

۳-۳. ماتریس مضامین

از ماتریس مضامین^{۴۸} جهت مقایسه مضامین با یکدیگر و یا مقایسه مضامین در منابع داده‌ها استفاده می‌شود. این روش را اولین بار مایلز^{۴۹} و هابرمن^{۵۰} (۱۹۹۴) استفاده کردند. ماتریس، اساساً از تقاطع ردیف‌ها و ستون‌ها شکل می‌گیرد و در آن، ترکیبی از دو فهرست به صورت جدول توافقی، عرضه می‌شود. ردیف‌ها و ستون‌های ماتریس مضامین می‌تواند به مضمون‌ها یا منبع داده‌ها یا سایر موارد اختصاص یابد. از این رو، می‌توان ماتریس‌های مختلفی با ترکیب‌های متفاوت، ایجاد کرد. مثلاً در ماتریسی می‌توان رابطه میان دو دسته از مضامین را بررسی و در ماتریس دیگری، مضامین یک یا چند منبع را مقایسه کرد.

در نگاره ۳، نمونه‌ای از ماتریس مضامین مستخرج از صحیفه امام (ه)، آمده است. این نگاره، مثلاً، نشان می‌دهد که ۱۳ کد مشترک، میان مضمون دلسوزی و همدردی با مضمون اهتمام به امور پیروان وجود دارد.

Code	مجله پژوهش‌های مدیریت	میراث‌های فرهنگی و تاریخی ایران	مجله پژوهش‌های علمی و اجتماعی
1	0	0	0
2	0	0	0
3	0	0	0
4	0	0	0
5	0	0	0
6	0	0	0
7	0	0	0
8	0	0	0
9	0	0	0
10	0	0	0
11	0	0	0
12	0	0	0
13	0	0	0
14	0	0	0
15	0	0	0
16	0	0	0
17	0	0	0

نمودار ۳. ماتریس کدهای مشترک برخی مضامین مستخرج از صحیفه امام (ره)

۳-۴. شبکه مضامین

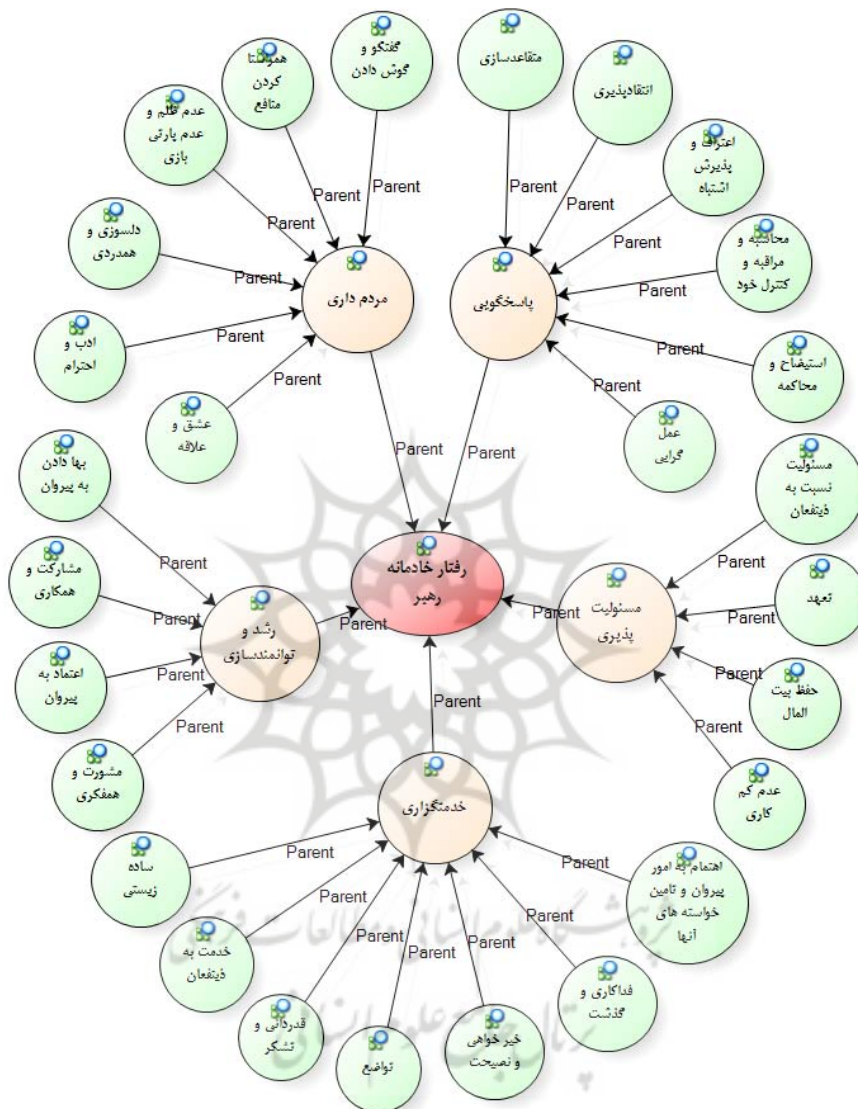
شبکه مضامین^{۵۱} نیز روش مناسبی در تحلیل مضمون است که آتراید-استیرلینگ (۲۰۰۱)، آن را توسعه داده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود.

بر خلاف روش قالب مضامین، شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هر گونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تاکید شود. با این حال، لازم است توجه شود که این شبکه‌ها صرفاً ابزاری تحلیلی هستند و نه خود تحلیل. وقتی یک شبکه مضمونی ساخته شد می‌توان از آن به مثابه ابزاری تصویری برای تفسیر متن استفاده کرد تا نتایج حاصل از متن و خود متن برای محقق و خوانندگان تحقیق، روشن و فهمیدنی شود (Attride-Stirling, 2001). برای ترسیم روابط میان مضامین می‌توان از مضامین رابطه‌ای نیز استفاده کرد.

نمونه‌ای از شبکه مضامین مستخرج از صحیفه امام (ره) برای الگوی رهبری خدمتگزار در نگاره ۴ ارائه شده است. طبق این نگاره، رفتار خادمانه رهبر، مضمون فراگیری است که دربرگیرنده پنج مضمون سازمان‌دهنده (مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، مردم‌داری، رشد و توانمندسازی و خدمتگزاری) است.

نکته مهم و جالب در شبکه مضامین این است که با توجه به پیچیدگی داده‌ها و هدف تحلیل، ممکن است از مجموعه متون، چند مضمون فراگیر استخراج شود؛ با این حال، تعداد مضامین فراگیر از تعداد مضامین پایه و سازمان‌دهنده، کمتر خواهد بود. هر مضمون فراگیر، هسته و کانون شبکه‌ای مضمونی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، ممکن است تحلیل به چندین شبکه مضامین منجر شود.

تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین ... ۱۷۱

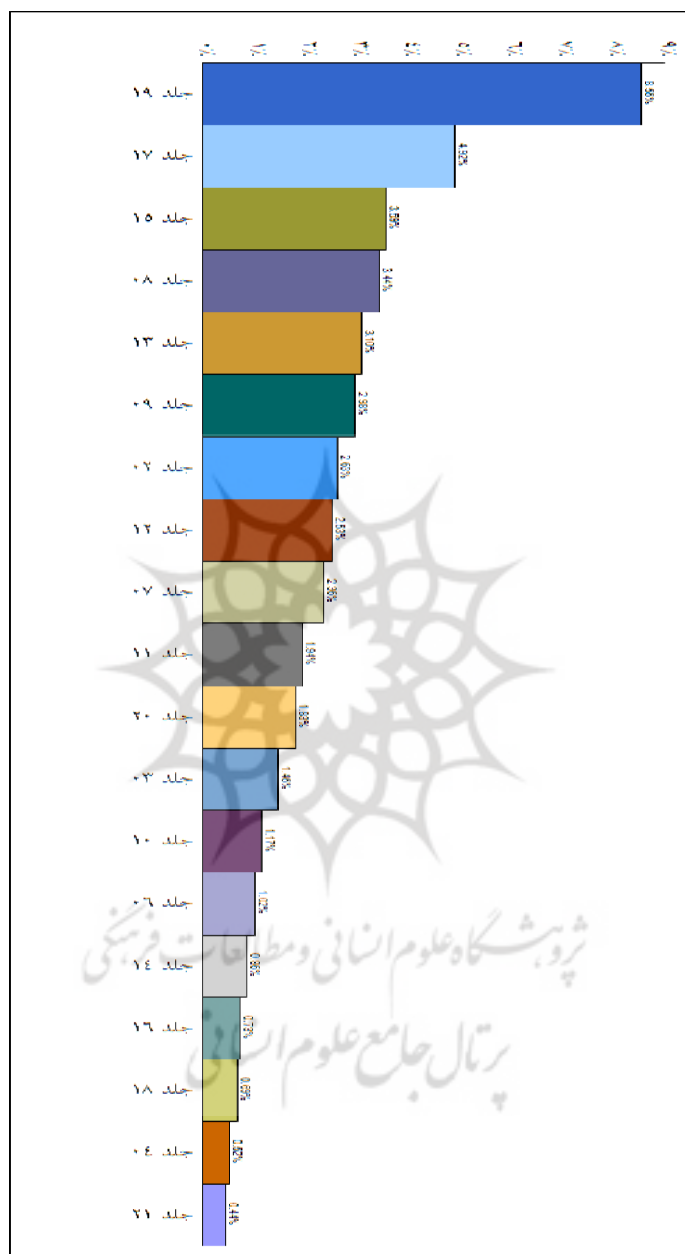


نمودار ۴. شبکه مضامین رفتار خادمانه رهبر بر اساس تحلیل صحیفه امام (ره)

۳-۵. تحلیل مقایسه‌ای

یکی دیگر از روش‌هایی که همراه با تحلیل مضمون به کار می‌رود، تحلیل مقایسه‌ای^{۵۲} است. با این روش، مضامین در بین منابع و افراد مختلف با هم مقایسه می‌شود. از آنجایی که در تحلیل مضمون، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، هم‌زمان است از تحلیل مقایسه‌ای هنگام جمع‌آوری اطلاعات، کدگذاری داده‌ها، مرور ادبیات نظری و یادداشت‌های پژوهشگر استفاده می‌شود. با این روش، داده‌های به‌دست‌آمده از منابع مختلف، با یکدیگر مقایسه و تطبیق می‌شود تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها، شناخته شود؛ این فرایند تا جایی ادامه می‌یابد که پژوهشگر احساس کند نکته جدیدی از مقایسه داده‌ها حاصل نمی‌شود. از تحلیل مقایسه‌ای می‌توان برای مقایسه مضامین در بین پاسخ‌دهندگان مختلف (بر اساس جنسیت، سن، سمت و ...) و همچنین برای منابع مختلف داده‌ها (مانند مصاحبه، پرسشنامه، گروه کانونی و ...) استفاده کرد. همچنین، از تحلیل مقایسه‌ای می‌توان جهت ترسیم نمودارها استفاده کرد که نمونه‌ای از آن در نگاره ۵ ارائه شده است. در این نگاره، پوشش داده‌ای مضمون خدمتگزاری، در ۲۱ جلد از صحیفه امام (ره) مقایسه شده است؛ بیشترین پوشش داده‌ای این مضمون در جلد ۱۹ و کمترین آن در جلد ۲۱ مشاهده شده است.

تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین ... ۱۷۳



نمودار ۵. تحلیل مقایسه‌ای فراوانی مضمون خدمتگزاری در جلد‌های مختلف صحیفه امام (ره)

۴. تصمیم‌های مهم قبل از شروع تحلیل مضمون

پژوهشگران قبل از کاربرد تحلیل مضمون، باید تصمیمات مهمی درباره برخی مسائل مرتبط با آن اتخاذ کنند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۴-۱. پژوهشگر به دنبال توصیفی غنی از مجموع داده هاست یا توضیح مفصل جنبه خاصی در داده‌ها؟^{۵۳}

نوع تحلیل پژوهشگر و ادعاهای او باید با مجموع داده‌های تحقیق، همخوانی داشته و مرتبط باشد. مثلاً، پژوهشگر ممکن است توصیفی غنی و جامع از کل داده‌ها عرضه کند به گونه‌ای که خواننده بتواند مضامین مهم یا برجسته آن را بشناسد. در این حالت، مضامینی که شناخته، کدگذاری و تحلیل می‌شود باید دقیقاً مبین محتوای کل داده‌ها باشد. در چنین تحلیلی، تا حدودی عمق و پیچیدگی مطلب از بین می‌رود اما جامعیت و غنای مطلب حفظ می‌شود. این روش وقتی مفید است که تحقیق در زمینه‌ای نامشخص یا در زمینه‌ای در دست بررسی صورت بگیرد و یا نظر افراد درباره موضوع تحقیق معلوم نباشد. روش دیگر و جایگزین روش قبلی، عرضه تفصیلی‌تر و جزئی‌تر مضمونی خاص یا گروهی از مضامین در درون داده‌هاست. این روش در مواردی به کار می‌رود که پژوهشگر به دنبال بررسی سؤالی مشخص و یا بررسی حوزه علاقه خود در درون داده‌ها باشد (Braun & Clarke, 2006).

۴-۲. پژوهشگر می‌خواهد از روش استقرایی استفاده کند یا از روش قیاسی؟^{۵۴}

مضامین یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی (مبتنی بر داده) و روش قیاسی (مبتنی بر نظریه) شناخت. در روش استقرایی، مضامین شناخته، به شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند (Patton, 1990, p. 85). این روش تحلیل مضمون تا حدودی شبیه نظریه داده‌بنیاد است. در این روش، فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده (یا قالب مضامین) صورت می‌گیرد. در روش استقرایی، تحلیل مضمون بر اساس داده‌ها انجام می‌شود.

در روش قیاسی، تحلیل مضمون بر اساس علاقه نظری یا تحلیلی پژوهشگر به موضوع صورت می‌گیرد لذا این روش بیشتر مبتنی بر فرد تحلیلگر است. در این روش، محقق، کدها را بر اساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند و علائم، شاخص‌ها و شواهدی را که با این نظریه، حمایت می‌شوند می‌شناسد و کدگذاری می‌کند. کدهای مرتبط با هر مضمون نیز از فرضیات و مؤلفه‌های نظریه مورد نظر استخراج می‌شود. بررسی ادبیات نظری، درک مناسبی برای شناخت مضامین فراهم می‌کند. کدهایی را که سایر پژوهشگران به کار برده‌اند و نتایج تحقیقات آن‌ها، به توسعه کدها در روش مبتنی بر تحقیقات گذشته، مستقیماً کمک می‌کند (Boyatzis, 1998, p. 37).

۳-۴. پژوهشگر به دنبال شناخت مضامین مشهود است یا مضامین مکنون؟^{۵۵}

تصمیم دیگری که درباره مضامین باید گرفته شود این است که آیا مضامین در سطح آشکار و مشهود شناخته می‌شود یا در سطح پنهان و مکنون؟ (Boyatzis, 1998, p. 16). مضامین در سطح مشهود، با توجه به معانی ظاهری یا آشکار داده‌ها شناخته می‌شود و تحلیلگر به دنبال شناخت چیزی فراتر از آنچه در متن وجود دارد نیست. در سطح مکنون، تحلیل مضمون، فراتر از معانی مشهود و آشکار محتوای داده‌ها می‌رود و ایده‌ها، مفروضات و مفاهیم نهفته (ایدئولوژی‌ها) را در داده‌ها - که شکل‌دهنده محتوای صریح داده‌ها است - می‌شناسد یا ارزیابی می‌کند. در تحلیل مضامین مکنون، شکل‌گیری و توسعه مضمون‌ها، کاری تفسیری است و تحلیل نیز صرفاً توصیف نیست بلکه نوعی نظریه‌پردازی است.

گاهی ممکن است مضمون، هم به صورت مشهود و هم به صورت مکنون در متن، شناخته شود. مثلاً، در جدول ۴، نمونه‌ای از کدهای مستخرج از صحیفه امام (ره) برای مضمون تواضع، آمده است. برخی از این کدها صریحاً و برخی به طور ضمنی این مضمون را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نمونه‌ای از کدهای مشهود و مکنون برای مضمون تواضع رهبر در صحیفه امام (ره)

کدهای مشهود در رابطه با مضمون تواضع	کدهای مکنون در رابطه با مضمون تواضع
۳۰/۳. من با کمال تواضع، دست خود را به سوی ملت نجیب ایران دراز می‌کنم (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۱۷).	۶/۲۵. من نمی‌دانم چطور از عهده مراتب این زحمات برآیم. من خدمتی که مورد پسند باشد نکردم (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۵۰).
۷/۱۸۷. گمان نکنید که شما صاحب مقام هستید، منصب هستید باید به مردم فشار بیاورید. هر چه صاحب‌منصب، ارشد باشد باید بیشتر خدمتگزار باشد. مردم بفهمند که هر درجه‌ای که این بالا می‌رود با مردم متواضع‌تر می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۵۱۲).	۶/۱۰۲. شما بر همه ما منت دارید. من از همه شما، منت می‌کشم؛ من خادم همه شما هستم (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۷۰).
۱۸/۵۷. وقتی قدرت دستتان آمد بیشتر مواظب باشید که متواضع بشوید. وقتی رئیس یک گروهی شدید بیشتر مواظب باشید که متواضع باشید، برای اینکه اگر سستی کنید، در این قدرت روحی از شیطان زمین می‌خورید (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۲۰۹).	۱۴/۱۸۹. خمینی، دست یکایک شما را می‌بوسد و به یکایک شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خودش می‌داند که بارها گفته‌ام من با شما یکی هستم و رهبری در کار نیست (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۴۷۴).
	۲۱/۷۱. امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمتگزار حقیر خود، دلگیر نشده باشید (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۹۲).

۴-۴. پژوهشگر به دنبال پاسخ دادن به سؤالات اکتشافی و کلان است یا سؤالات توصیفی و خرد؟

نوع سؤالات تحقیقات کیفی در روش شناخت مضامین داده‌ها تأثیر می‌گذارد. گفتنی است که تحقیقات کیفی معمولاً دربرگیرنده مجموعه سؤالاتی هستند که روابط میان این سؤالات مختلف باید روشن شود. گاهی یک یا چند سؤال کلی وجود دارد که کل پروژه تحقیقاتی را هدایت می‌کند. سؤالات تحقیق می‌تواند خیلی کلان (اکتشافی) یا خیلی محدود (توصیفی) باشد؛ سؤالات محدود ممکن است بخشی از سؤالات کلان تحقیق باشد.

به رغم این که همه پروژه‌های تحقیقاتی با سؤالات تحقیق، هدایت می‌شود اما این سؤالات ممکن است طی اجرای پروژه، تعدیل و اصلاح شود. نمونه‌ای از سؤالات مرتبط با تحقیق تدوین الگوی رهبری خدمتگزار مبتنی بر صحیفه امام (ره)، در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. سوالات اصلی و فرعی تحقیق الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره)

سؤال اصلی تحقیق	سوالات فرعی تحقیق
الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟	* فلسفه وجودی (چرایی) رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟ * ویژگی‌های (چیستی) رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟ * فرایند (چگونگی) رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟

۵. فرایند گام به گام تحلیل مضمون

روش‌های مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک از آنها، فرایندهای خاصی را دنبال می‌کند. در این مقاله، با ترکیب روش پیشنهادی کینگ و هاروکس (۲۰۱۰، ص ۱۵۳)، براون و کلارک (۲۰۰۶) و آتراید-استیرلینگ (۲۰۰۱)، فرایند گام به گام و جامعی جهت تحلیل مضمون، عرضه می‌شود. در این بخش، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله، شش گام و بیست اقدام معرفی می‌شود.

همان طور که در جدول ۶ آمده است فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم نمود: الف- تجزیه و توصیف متن، ب- تشریح و تفسیر متن، و ج- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن. در حالی که همه این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است اما در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به دست می‌آید (Attride-Stirling, 2001).

فرایند تحلیل مضمون، زمانی شروع می‌شود که تحلیلگر به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد؛ البته ممکن است این کار در طول جمع‌آوری داده‌ها اتفاق بیفتد. نقطه پایان این فرایند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها است. همچنین، تحلیل، فرآیندی است که طی زمان شکل می‌گیرد و نباید با عجله اجرا شود (Braun & Clarke, 2006). نوشتن نیز بخشی اساسی از این فرایند است که از همان گام اول شروع می‌شود و تا گام نهایی، تداوم می‌یابد.

نکته مهم دیگر این است که تحلیل‌های کیفی، از مجموعه‌ای از خطوط راهنما استفاده می‌کنند و نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص؛ این امر باعث انعطاف‌پذیری آنها برای تناسب روش با سؤال‌ها و داده‌های تحقیق می‌شود (Patton, 1990 p. 145)؛ لذا این

فرایند سه مرحله‌ای و رایج، تنها راه تحلیل مضمون نیست. از این رو، هر پژوهشگری با توجه به ماهیت و سؤالات تحقیق خود و با توجه به تصمیمات و ابزارهایی که به کار می‌برد می‌تواند از روش خاص خودش استفاده کند. همچنین، این فرایند، فرایندی خطی نیست زیرا تحلیل مضمون، مستلزم فرایندی رفت و برگشتی در کل مجموعه داده‌هاست.

جدول ۶. فرایند گام به گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین

مرحله	گام	اقدام
۱- تجزیه و توصیف متن	۱- آشنا شدن با متن	- مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم) - مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها - نوشتن ایده‌های اولیه
	۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	- پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین - تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر - کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳- جست‌وجو و شناخت مضامین	- تطبیق دادن کدها با قالب مضامین - استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاشته متن - پالایش و بازبینی مضامین
۲- تشریح و تفسیر متن	۴- ترسیم شبکه مضامین	- بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج - مرتب کردن مضامین - انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر - ترسیم نقشه(های) مضامین - اصلاح و تأیید شبکه(های) مضامین
	۵- تحلیل شبکه مضامین	- تعریف و نام‌گذاری مضامین - توصیف و توضیح شبکه مضامین
۳- ترکیب و ادغام متن	۶- تدوین گزارش	- تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن - استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها - مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری - نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

۵-۱. آشنا شدن با داده‌ها

هنگام شروع تحلیل مضمون، ممکن است خود پژوهشگر داده‌ها را جمع کند یا این که داده‌های تحقیق در اختیار او قرار گیرد. اگر خود پژوهشگر داده‌ها را (از طریق رسانه‌ها و منابع مختلف) جمع کند، به هنگام تحلیل، از دانش و مبنای تحلیلی اولیه برخوردار خواهد بود. اما مهم این است که پژوهشگر به گونه‌ای در داده‌ها غرق شود که با عمق و غنای محتوای آن‌ها کاملاً آشنا شود.

غرق شدن در داده‌ها، مستلزم مطالعه و مرور مکرر داده‌ها به روشی فعال است. پیشنهاد می‌شود حداقل یکبار قبل از شروع کدگذاری، کل داده‌ها مطالعه شود؛ در این حالت، به هنگام مطالعه متن، برخی از ایده‌ها و الگوها شناخته خواهد شد.

این گام، ستون فقرات مراحل بعدی را شکل می‌دهد. در این گام است که ایده‌های خوبی درباره کدگذاری‌ها و الگوها شکل می‌گیرد. پس از این کار، پژوهشگر، آماده است فرایند کدگذاری را آغاز کند. لکن، کدگذاری در کل فرایند تحلیل صورت می‌گیرد و تعریف می‌شود.

۵-۲. ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری

گام دوم، زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه کرده و با آن‌ها آشنا شده باشد. همچنین، فهرستی اولیه از ایده‌های موجود در داده‌ها و نکات جالب آن‌ها، تهیه کرده باشد؛ لذا این گام، مستلزم ایجاد کدهای اولیه از داده‌هاست.

در این گام، از کدها برای تقسیم داده‌های متنی به قسمت‌های فهمیدنی و استفاده‌پذیر مانند بند، عبارت، کلمه یا سایر معیارهایی که برای تحلیل خاص لازم است استفاده می‌شود. کدهای موجود در چارچوب کدگذاری، باید حد و مرز کاملاً مشخص و تعریف شده‌ای داشته باشد به گونه‌ای که تغییرپذیر و یا تکراری نباشد. همچنین، کدها باید محدود به قلمروی تحقیق باشد و به طور روشن بر موضوع، تمرکز داشته باشد تا از کدگذاری هر جمله از متن اصلی، اجتناب شود. این گام به لحاظ تفسیری حائز اهمیت است؛ اما تا این مرحله تکمیل نشده باشد نمی‌توان وارد مرحله بعد شد (Attride-Stirling, 2001).

کدگذاری را می‌توان، دستی یا با نرم‌افزارهای رایانه‌ای انجام داد. همچنین، می‌توان با نوشتن یادداشت بر روی متن یا حواشی آن و یا با استفاده از مدادهای رنگی و ماژیک، داده‌های مورد نظر را برجسته کرد. همچنین، می‌توان از یادداشت‌های فهرست‌بندی‌شده و فیش‌های تحقیقاتی استفاده کرد. در صورت استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای می‌توان با انتخاب و نام‌گذاری هر بخش از متن، داده‌ها را کدگذاری کرد. برخی توصیه‌های کلیدی به هنگام کدگذاری عبارت‌اند از:

الف- برای هر گونه مضمون یا الگوی بالقوه، کد در نظر گرفته شود؛ ب- بخش‌هایی از داده‌ها که برای کدگذاری انتخاب می‌شود کامل و دربرگیرنده داده‌های مرتبط باشد؛ ج- هر بخش از داده‌ها را می‌توان برای تعداد زیادی از مضامین مختلف - که با آن تناسب دارد- کدگذاری کرد (Braun & Clarke, 2006).

۳-۵. جست‌وجو و شناخت مضامین

گام سوم، وقتی شروع می‌شود که همه داده‌ها، کدگذاری اولیه و گردآوری شده باشد و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها، شناخته شده باشد. در این گام که به تحلیل در سطحی کلان‌تر از کدها تمرکز دارد کدهای مختلف در قالب مضامین مرتب می‌شود و همه داده‌های کدگذاشته مرتبط با هر یک از مضامین، شناخته و گردآوری می‌شود. اساساً در این مرحله، کدها تجزیه و تحلیل می‌شود و به نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون پایه، توجه می‌شود. در این مرحله می‌توان از شکل، نمودار، جدول، نقشه‌های ذهنی و یا نوشتن نام هر کد همراه با توضیح خلاصه‌ای از آن بر روی کاغذی جداگانه و قرار دادن آن در ستون مضمون مرتبط، برای مرتب کردن کدهای مختلف در قالب مضامین بهره گرفت.

در این مرحله ممکن است مجموعه‌ای از کدها به هیچ مضمونی اختصاص پیدا نکند و یا ممکن است از برخی کدها صرف نظر شود. برای چنین کدهایی می‌توان از مضمون «سایر» (تثبیت‌نشده) به طور موقت استفاده کرد تا در صورت بررسی مجدد، جایگاه مناسب آن‌ها در قالب مضامین تعیین شود.

با بررسی مجدد و پالایش بیشتر مضامین، سعی می‌شود تا مضامین، به اندازه کافی، خاص، مجزا و غیرتکراری و نیز به اندازه کافی، کلان باشد تا مجموعه ایده‌های مطرح‌شده در بخش‌هایی از متن را شامل شود. این امر باعث کاهش داده‌ها به مجموعه‌ای از مضامین مهم پذیرفتنی و کنترل‌پذیر می‌شود که مبین چکیده و خلاصه‌ای از متن اصلی است. در این گام می‌توان از ماتریس مضامین و تحلیل مقایسه‌ای نیز استفاده کرد.

۴-۵. ترسیم شبکه مضامین

گام چهارم وقتی شروع می‌شود که پژوهشگر، مجموعه‌ای از مضامین را پیشنهاد و بخواهد آن‌ها را پالایش کند. مضامین شناخته، منبع اصلی تشکیل شبکه‌های مضامین است.

طی این گام، مشخص خواهد شد که برخی مضامین پیشنهادشده، واقعاً مضمون نیستند (مثلاً اگر داده‌های کافی وجود نداشته باشد و یا داده‌های آن، خیلی متنوع باشد)، برخی مضامین با همدیگر هم‌پوشانی دارد (مثلاً اگر دو مضمون جدا، یک معنی و مفهوم داشته باشد و با هم، مضمون واحدی، تشکیل دهند) و ممکن است لازم باشد سایر مضامین به مضامین جداگانه‌ای تفکیک شود. همگونی درونی و فقدان همگونی بیرونی را که پتون (۱۹۹۰، ص ۱۸۵) به عنوان عوامل دوگانه قضاوت درباره مضامین، پیشنهاد کرده است می‌توان در این جا به کار برد. داده‌های درون هر مضمون باید به لحاظ معنی و مفهوم، با هم انسجام و همخوانی داشته باشد و در عین حال باید تمایزات واضح و مشخصی میان مضامین مختلف وجود داشته باشد (Braun & Clarke, 2006).

مضامین به دست‌آمده از متن در گروه‌های مشابه و منسجمی دسته‌بندی می‌شود. تصمیم‌گیری درباره نحوه گروه‌بندی مضامین، بر اساس محتوا و در صورت لزوم بر اساس مبانی نظری صورت می‌گیرد. باید توجه کرد که مضامین تحت هر شبکه باید به تعداد مناسب و درباره موضوعات مشابهی باشد. اگر مضامین، بسیار متنوع و متعدد و یا به موضوعات کاملاً متفاوت و متمایزی مرتبط باشد، باید چند گروه تشکیل شود. هر

گروه از مضامین به مضمون فراگیر متمایزی منجر خواهد شد که مضامین پایه و سازمان‌دهنده مجزایی، آن را پشتیبانی می‌کند. به طور کلی، قاعده خاصی درباره تعداد مضامین تشکیل‌دهنده شبکه وجود ندارد اما طبق تجربه اگر تعداد مضامین از ۱۵ عدد بیشتر باشد اجرای گام پنجم با مشکل مواجه خواهد شد. همچنین، اگر تعداد مضامین از چهار کمتر باشد، قضاوت درباره داده‌ها مشکل خواهد بود (Braun & Clarke, 2006).

۵-۵. تحلیل شبکه مضامین

گام پنجم وقتی شروع می‌شود که پژوهشگر به شبکه مضامین رضایت‌بخشی رسیده باشد. در این حالت، می‌تواند مضامین پیشنهادشده جهت تحلیل داده‌ها را تعریف و تعدیل، و داده‌ها را بر اساس آن‌ها تحلیل کند. در این گام، شبکه‌های مضامین رسم‌شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شود. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، شبکه‌های مضامین، ابزاری برای تحلیل هستند، نه خود تحلیل. این شبکه‌ها به محقق کمک می‌کند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون برسد و بتواند مضامین به‌دست‌آمده را تشریح کند و الگوهای آن‌ها را بشناسد. پس از ایجاد شبکه‌های مضامین، پژوهشگر باید مجدداً به متن اصلی، مراجعه و آن را به کمک این شبکه‌ها تفسیر کند (Attride-Stirling, 2001).

مهم این است که پژوهشگر، در پایان این مرحله بتواند مضامین شناخته را به روشنی تعریف کند که چه هستند و چه نیستند. یک روش برای آزمون تعریف مضامین، این است که آیا می‌توان گستره و محتوای هر مضمون را در قالب دو جمله بیان کرد. اگر نشد، ممکن است لازم باشد آن مضمون، بیشتر تعدیل شود. پژوهشگر در این مرحله باید به مضامین خود، عنوان مشخصی بدهد و نام‌هایی را که در تحلیل نهایی خود می‌خواهد بیاورد ذکر کند. هر مضمون باید دارای نام مختصر و موجزی باشد تا به ذهن خواننده القا کند که آن مضمون درباره چه چیزی است (Braun & Clarke, 2006).

۵-۶. تدوین گزارش

گام ششم، وقتی آغاز می‌شود که مجموعه کاملی از مضامین نهایی، فراهم شده باشد. در این مرحله، تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق، صورت می‌گیرد. هدف از نوشتن

تحلیل مضمون این است که حکایت کامل و پیچیده موجود در داده‌ها را به گونه‌ای بیان شود که خواننده درباره اعتبار و صلاحیت تحلیل پژوهشگر، متقاعد شود. مهم این است که تحلیل، حکایت مختصر و منسجم و منطقی و غیر تکراری و جالب برآمده از داده‌ها را در قالب مضامین، عرضه کند. گزارش، باید شواهد کافی و مناسبی درباره مضامین موجود در داده‌ها فراهم کند و داده‌های کافی برای هر مضمون، عرضه شود. در آخرین گام، استنتاج‌های همه شبکه‌ها، همراه با نظریه‌های مرتبط با آن‌ها، به طور خلاصه، برای تبیین مضامین، مفاهیم، الگوها و ساختارهای برجسته به دست آمده از متن استفاده می‌شود. هدف از این کار، بررسی مجدد سؤالات تحقیق و علایق نظری نهفته در آن‌هاست تا با بحث و بررسی عمیق الگوهای به دست آمده از تشریح متن، به سؤالات اصلی تحقیق پاسخ داده شود (Attride-Stirling, 2001).

۶. دام‌های بالقوه در مسیر تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، روش کارآمد و نسبتاً ساده‌ای در تحلیل‌های کیفی است که به دانش نظری و فنی گسترده‌ای (که در روش‌هایی مانند تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان لازم است) نیاز ندارد. تحلیل مضمون خوب بر روی داده‌های کیفی، کار نسبتاً راحتی است؛ حتی وقتی پژوهشگر در حال یادگیری فنون کیفی باشد. با این حال، مواردی وجود دارد که می‌تواند به ضعف تحلیل مضمون، منجر شود (Braun & Clarke, 2006). برخی دام‌های بالقوه روش تحلیل مضمون عبارت‌اند از:

۶-۱. فقدان تحلیل واقعی داده‌ها

تحلیل مضمون، صرفاً جمع‌آوری داده‌ها و نوشتن متنی تحلیلی یا انتخاب برخی داده‌ها و الصاق اصطلاح به محتوای آن‌ها نیست. داده‌های مستخرج در تحلیل مضمون، نکات تحلیلی مهمی است که پژوهشگر درباره موضوع تحقیق شناخته است و نقش پشتیبان و اعتباردهنده تحلیل‌ها را بازی می‌کند.

۶-۲. استفاده از سؤالات مربوط به جمع‌آوری داده‌ها (مانند سؤالات پرسشنامه) به مثابه مضمون

در صورت استفاده از سؤالات پرسشنامه به مثابه مضمون، عملاً هیچ‌گونه تحلیلی برای شناسایی مضامین در داده‌ها یا شناخت الگوهای موجود در آن‌ها صورت نگرفته است.

۶-۳. تحلیل ضعیف یا غیرمتقاعدکننده:

تحلیل ضعیف، تحلیلی است که مضامین آن چندان مفید به نظر نرسد یا هم‌پوشانی بسیار زیادی میان آنها وجود داشته باشد و یا مضامین آن، فاقد انسجام و همخوانی درونی باشد. همه مضامین باید پیرامون یک ایده یا مفهوم محوری شکل بگیرد و انسجام یابد. تحلیل ضعیف یا غیرمتقاعدکننده، همچنین، می‌تواند از عرضه نکردن نمونه‌ای کافی از داده‌ها ناشی شود لذا در توضیح مضامین باید از نمونه‌های جذابی استفاده کرد.

۶-۴. فقدان انطباق میان داده‌ها و نتایج تحلیل

در چنین حالتی، نتایج تحلیل را داده‌های کدگذاشته، پشتیبانی نمی‌کند یا در بدترین حالت، داده‌های مستخرج، تحلیل متفاوت یا متناقضی را نشان می‌دهد. پژوهشگر باید اطمینان حاصل کند که تفسیرها و تحلیل‌هایش با داده‌های مستخرج، همخوانی دارد. در تحلیل ضعیف به سایر نکات صریح داده‌ها و تنوع یا تناقض موجود در آن‌ها، توجهی نمی‌شود. البته، الگوی موجود در یک متن، به ندرت، ممکن است با صددرصد داده‌ها، همخوانی داشته و یا هیچ‌گونه تناقضی نداشته باشد.

۶-۵. فقدان انطباق میان نظریه و نتایج تحلیل یا میان سؤالات تحقیق و فرایند تحلیل مضمون

برای تحلیل مضمون خوب باید اطمینان حاصل شود که تفسیر داده‌ها با چارچوب نظری تحقیق، همخوانی دارد؛ با این حال، حتی تحلیل خوب و جامع نیز ممکن است در تبیین مفروضات نظری خود، یا شفاف کردن نحوه تحلیل، یا هدفی که دنبال کرده است، چندان موفق نباشد.

۶-۶. غفلت از دام‌های مرتبط با بررسی تحقیقات گذشته

پژوهشگر هنگام بررسی ادبیات نظری تحقیق نیز با برخی فرصت‌ها و تهدیدها، روبه‌رو می‌شود. برخی معتقدند مطالعه تحقیقات گذشته در بدو امر ممکن است افق تحلیلی پژوهشگر را محدود کند و منجر به این شود که محقق صرفاً به بخشی از داده‌ها، توجه و از سایر جنبه‌های مهم آن غفلت کند. برخی دیگر نیز معتقدند بررسی ادبیات نظری تحقیق، در همان مراحل اولیه تحلیل مضمون باعث می‌شود تحلیل‌های پژوهشگر (با شناخت مناسب ویژگی‌های برجسته در داده‌ها) بهبود یابد (Tuckett, 2005).

بنابراین، یک زمان مشخص و یک شیوه صحیح برای مطالعه ادبیات نظری در فرایند تحلیل مضمون وجود ندارد و بررسی ادبیات نظری با فرصت‌ها و دام‌هایی همراه است. این فرصت‌ها و دام‌ها که نمونه‌ای از آنها در جدول ۷ آمده است بیشتر به زمان استفاده از ادبیات نظری تحقیق و چگونگی به‌کارگیری آن در تحلیل مضمون مربوط است (Tummers & Karsten, 2011, Pp. 15-18).

جدول ۷. فرصت‌ها و دام‌های بررسی ادبیات نظری در فرایند تحقیق (Tummers & Karsten, 2011, p. 16)

دام‌های مرور ادبیات	فرصت‌های ناشی از مرور ادبیات	مراحل تحقیق
<ul style="list-style-type: none"> ▪ غفلت از پدیده‌های اجتماعی موجود ▪ توجه نکردن به جنبه‌های مرتبط با تحقیق ▪ به دلیل تمرکز بر جنبه‌های مطرح‌شده در ادبیات نظری 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ شناسایی خلأ دانشی موجود در زمینه مورد مطالعه ▪ تشریح چرایی و چگونگی ارتباط ▪ سؤالات تحقیق با تحقیقات قبلی ▪ تمرکز بر موضوع تحقیق 	طراحی تحقیق
<ul style="list-style-type: none"> ▪ جمع‌آوری صرف داده‌های مرتبط با ادبیات نظری 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ استفاده از ادبیات نظری به عنوان یک منبع داده در کنار سایر منابع (مصاحبه و پرسشنامه) ▪ درک بهتر از پدیده بررسی 	جمع‌آوری داده‌ها
<ul style="list-style-type: none"> ▪ ممانعت از عرضه ایده‌های جدید ▪ تحمیل ساختارهای نظری موجود به تحلیل‌های تحقیق 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ آگاهی بیشتر نسبت به موضوع با افزایش حساسیت نسبت به روابط ضمنی میان متغیرهای تحقیق ▪ درک مناسب از تحلیل داده‌های جدید و رسیدن به اهداف اصلی تحقیق 	تحلیل داده‌ها

۷. معیارهای ارزیابی تحلیل مضمون

به طور کلی، از معیارهای ارزیابی تحقیقات کیفی می‌توان برای ارزیابی تحلیل مضمون نیز استفاده کرد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که تحقیقات کیفی نیازمند معیارهای ارزیابی کیفی و مورد توافق همه است؛ البته، چنین معیارهایی باید با معیارهای تحقیقات کمی، متفاوت باشد. مثلاً لینگولن و گیوبا (۱۹۸۵، ص ۳۰۱) چهار معیار کیفی جایگزین معیارهای تحقیقات کمی رایج پیشنهاد کرده‌اند: الف- اعتباربخشی به جای اعتبارسنجی^{۵۶}، ب- انتقال‌پذیری به جای تعمیم‌پذیری^{۵۷}، ج- انحراف‌پذیری کردنی به جای اطمینان‌پذیری^{۵۸} و د) صحنه‌پذیری به جای بی‌طرفی^{۵۹}.

از آنجا که تحلیل مضمون، روش منعطفی است، پژوهشگر باید کاری را که انجام می‌دهد به طور شفاف و آشکار توضیح دهد و آنچه می‌گوید باید با آنچه انجام می‌دهد واقعاً همخوانی و انطباق داشته باشد. در این حالت، نظریه و روش باید به طور مرتب

با هم به کار روند. خلاصه‌ای از معیارهای تعیین‌کننده کیفیت تحلیل مضمون خوب در جدول ۸ آمده است.

علاوه بر معیارهای فوق، معیارهای دیگری نیز برای ارزیابی تحلیل مضمون وجود دارد که انتخاب آن‌ها به رویکرد فلسفی و روش‌شناختی پژوهشگر بستگی دارد. کینگ و هاروکس (۲۰۱۰، صص ۱۶۰-۱۶۵)، چهار فرایند را برای ارزیابی تحلیل مضمون پیشنهاد کرده که عبارت است از:

۱- استفاده از کدگذاران مستقل و گروه خبرگان^{۶۰}: استفاده از کدگذاری مستقل، فرایند رایجی برای ارزیابی و کنترل کیفیت تحلیل‌های مضمون است. در رویکرد پوزیتیویستی به پژوهش‌های کیفی، این امر مشابه محاسبه آماری قابلیت اطمینان درونی^{۶۱} است که در تحلیل محتوای کمی یا مشاهده ساختاریافته صورت می‌گیرد (Boyatzis, 1998, p. 97). هدف کدگذاری مستقل، در اکثر موارد، اثبات روایی و پایایی تحلیل مضمون نیست بلکه کمک به پژوهشگر است تا به طور انتقادی درباره ساختار مضامین پیشنهادی خود و تصمیماتی که درباره کدگذاری گرفته است، فکر کند. این موضوع، وقتی برجسته‌تر می‌شود که مفروضات و انتظارات تحلیلگر باعث شود به بخش خاصی از داده‌ها، توجه و یا از بخش‌های دیگری صرف نظر کند. بنابراین، کدگذاری مستقل تا حد زیادی به عنوان راهی برای اجتناب از عدم عینیت^{۶۲} تحلیلگر به کار می‌رود.

جدول ۸. معیارهای ارزیابی تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006)

معیار ارزیابی	فرایند تحلیل مضمون
	توصیف
۱- آیا داده‌ها در سطح مناسبی از تفصیل و دقت توصیف شده‌اند؟	
۲- آیا در فرایند کدگذاری، به هر قلم داده‌ها، توجه یکسانی شده است؟ ۳- آیا مضامین از تعداد اندکی داده جذاب شکل گرفته‌اند یا طی فرایند کدگذاری کامل، جامع و فراگیر به دست آمده‌اند؟ ۴- آیا همه داده‌های مستخرج مرتبط با هر مضمون، جمع‌آوری شده است؟ ۵- آیا مضامین با یکدیگر مقایسه شده است و مجموعه داده‌های اصلی، آنها را حمایت می‌کند؟ ۶- آیا مضامین دارای انسجام، همخوانی و تمایز درونی هستند؟	کدگذاری
۷- آیا داده‌ها، به جای این که صرفاً توصیف یا تشریح شوند تحلیل و تفسیر و تعبیر شده‌اند؟ ۸- آیا تحلیل‌ها و داده‌ها با یکدیگر همخوانی دارند؟ ۹- آیا تحلیل، حکایتی متقاعدکننده و به خوبی سازماندهی شده درباره داده‌ها و موضوع تحقیق است؟ ۱۰- آیا تعادل خوبی میان نوشته‌های تحلیلی و داده‌های مستخرج، برقرار است؟	تحلیل
۱۱- آیا مفروضات و رویکرد خاص تحلیل مضمون به طور آشکار تبیین شده است؟ ۱۲- آیا میان ادعای پژوهشگر (مبنی بر کاری که انجام داده است) با آن چه تحلیل‌ها نشان می‌دهد، تناسب خوبی وجود دارد؟ آیا روش تحلیل معرفی شده با تحلیل گزارش شده همخوانی دارد؟ ۱۳- آیا زبان و مفاهیم به‌کاررفته در گزارش با جایگاه معرفت‌شناسی تحلیل، همخوانی دارد؟ ۱۴- آیا پژوهشگر، نقش فعالی در فرایند تحقیق ایفا می‌کند؟ آیا مضامین به خودی خود «ظهور» نمی‌کنند؟	نوشتن گزارش
۱۵- آیا زمان کافی برای تکمیل همه مراحل تحلیل اختصاص یافته و تحلیل‌ها بدون عجله تهیه شده است؟	کل فرایند

برای سنجش پایایی یا قابلیت اعتماد در بین کدگذاران مستقل، روش‌های مختلفی عرضه شده است. نئوندورف^{۶۳} در کتاب خود، راهنمای تحلیل مضمون^{۶۴}، چند روش را

معرفی کرده که عبارت است از: توافق درصدی، روش هولستی^{۶۵}، آلفای کریپیندورف^{۶۶}، کاپای کوهن^{۶۷} و پای اسکات^{۶۸} (به نقل از محمدی مهر، ۱۳۸۷، صص ۱۵۵ و ۱۵۶).

چنانچه پژوهشگری بخواهد از کدگذاری مستقل استفاده کند باید سه تصمیم کلیدی بگیرد: الف- در چه مرحله‌ای از تحلیل مضمون باید چنین کاری انجام گیرد؟ ب- چه چیزی باید از کدگذاران خواسته شود؟ و ج- چه کسانی باید کدگذاری را انجام دهند؟ به طور خلاصه، پیشنهاد می‌شود که در همه مراحل تحلیل مضمون و برای تعریف و تایید کدگذاری، از اعضای درون یا افراد بیرون تیم که آشنا با موضوع تحقیق و روش تحلیل مضمون باشند، استفاده شود. با این حال، روش بهتری که به زمان کمتری هم نیاز دارد این است که از نظرات گروهی از خبرگان -که از دانش کافی درباره ابعاد و جنبه‌های مختلف موضوع تحقیق برخوردارند- استفاده شود. مثلاً، نحوه سنجش روایی و پایایی تحلیل مضمون در صحیفه امام (ره) در این بخش ارائه شده است.

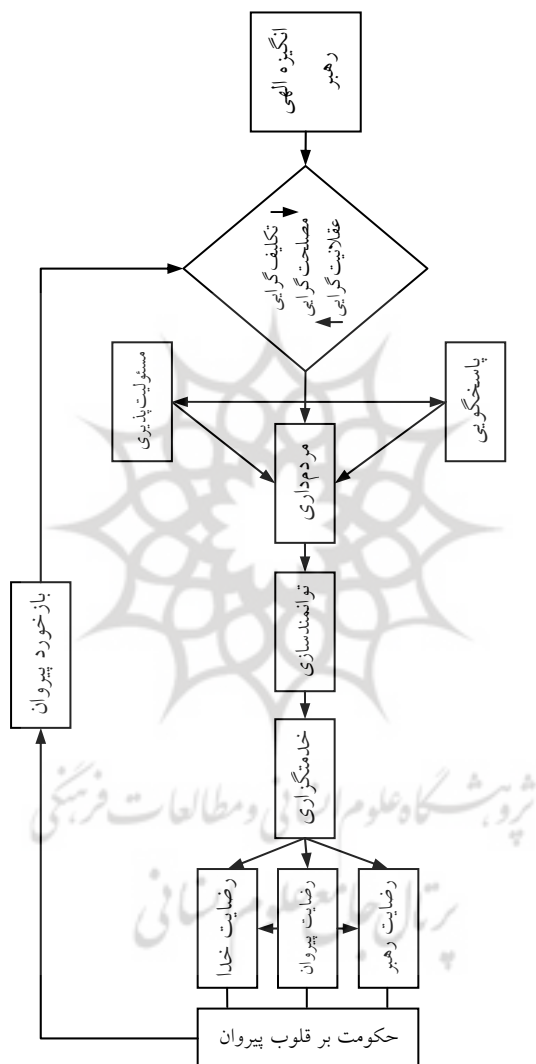
برای سنجش روایی این تحقیق، علاوه بر اینکه مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه، با مطالعه مبانی نظری، پیشینه تحقیق، اهداف تحقیق و منبع، انتخاب و تأیید شدند، نظرات و رهنمودهای گروهی از خبرگان نیز لحاظ شد و قبل از کدگذاری، جرح و تعدیل نهایی به عمل آمد.

در این تحقیق، نخست، کدگذاری با مطالعه سطر به سطر صحیفه امام (ره) و به صورت دستی صورت گرفت و بعد از اتمام کدگذاری دستی، کدگذاری رایانه‌ای با نرم‌افزار NVivo 8 انجام شد. سپس، نتایج این دو کدگذاری با یکدیگر، مقایسه و از روش هولستی برای محاسبه پایایی استفاده شد که فرمول آن عبارت است از:

$$PAO = 2M / (n1+n2) \longrightarrow 3363 \times 2 / (3628+3463) = 95\%$$

که در آن PAO^{۶۹} درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، n1 تعداد واحدهای کدگذاشته در مرحله اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاشته در مرحله دوم است. این رقم، بین صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است. همچنین، برای اعتبارسنجی الگوی نهایی رهبری خدمتگزار که در نگاره ۶

آمده است پرسشنامه‌ای، تهیه و از نظر خبرگان جهت اصلاح این الگو و سایر مضامین مستخرج درباره سؤالات تحقیق، استفاده شد.



نمودار ۶- الگوی رهبری خدمتگزار، مستخرج از صحیفه امام (ره) مبتنی بر تحلیل مضمون و شبکه مضامین

۲- دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان: یکی دیگر از فرایندهای کاملاً رایج برای ارزیابی تحلیل‌های مضمون، خصوصاً درباره مصاحبه‌ها، دریافت بازخورد از پاسخ‌دهندگان تحقیق است. در این فرایند، پژوهشگر، نتایج تحلیل خود را در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد تا درباره میزان همخوانی و تناسب میان تفاسیر وی و تجارب خودشان، اظهار نظر کنند. چنین کاری، این فرصت را در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار می‌دهد تا به طور جدی‌تر و قوی‌تری درباره مسائل مطرح‌شده، اظهار نظر کند. البته، پژوهشگر باید به طور واضح و شفاف، نتایج تحلیل خود را همراه با فرایند دستیابی به آن، برای پاسخ‌دهندگان توضیح دهد زیرا ممکن است آنها دانشی کافی، در زمینه روش تحلیل مضمون، نداشته باشند.

۳- به‌کارگیری تطابق همگونی^{۶۰}: مفهوم «تطابق همگونی»، استفاده از روش‌های مختلف جمع‌آوری داده‌ها یا بهره‌گیری از منابع مختلف، جهت مطالعه پدیده‌ای خاص است (King & Horrocks, 2010, p. 164). انواع مختلفی از تطابق همگونی در تحلیل‌های کیفی پیشنهاد شده است اما دنزین (به نقل از King & Horrocks, 2010, p. 164)، چهار نوع متمایز آن را معرفی کرده است که عبارت است از:

الف- تطابق همگونی در داده‌ها: استفاده از منابع مختلف و متنوع داده در مطالعه‌ای واحد (مانند بررسی چندین منبع در حوزه سیره نظری و عملی حضرت امام (ره) در زمینه رهبری خدمتگزار).

ب- تطابق همگونی در روش‌شناسی: به‌کارگیری ترکیبی از روش‌های کیفی (مانند مصاحبه، مشاهده، گروه کانونی و پرسشنامه) و یا ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی.

ج- تطابق همگونی در پژوهشگران: بهره‌برداری از چندین پژوهشگر و مقایسه نظام‌مند داده‌های آنها (مانند استفاده از یک پژوهشگر داخلی و یک پژوهشگر خارجی جهت مقایسه رویکردهای داخلی و خارجی به موضوع).

د- تطابق همگونی در نظریه: استفاده از مدل‌های نظری مختلف جهت کسب درک مشترک از داده‌ها.

۴- عرضه توصیفی غنی و ثبت سوابق ممیزی^{۶۱}: منظور از «توصیف غنی» (که گریتز در سال ۱۹۷۳ آن را مطرح کرد) این است که پژوهشگر کیفی باید شرح مفصلی

از پدیده مطالعه و بافت و زمینه آن عرضه کند تا خواننده بتواند راجع به همخوانی تفسیر و تحلیل پژوهشگر از داده‌ها، با آنچه در متن داده‌هاست قضاوت کند. توصیف غنی به خواننده کمک می‌کند تا نحوه دستیابی پژوهشگر را از داده‌ها به نتایج، به خوبی بفهمد. این موضوع را می‌توان با بیان جزئیات مربوط به فرایند اجرای تحلیل مضمون، همراه با رسم شکل و نمودار درباره نحوه شکل‌گیری و تکامل مضامین در طی تحقیق، تقویت کرد. این جزئیات، «ثبت سوابق ممیزی» را نشان می‌دهد که طبق آن، فرایند تکامل و توسعه اندیشه پژوهشگر، هم‌زمان با اجرای تحقیق، به طور مستند، ثبت می‌شود (King & Horrocks, 2010, p. 164).

۸. مزایا و معایب تحلیل مضمون

همان‌طور که در جدول ۹ آمده است تحلیل مضمون مزایای زیادی دارد؛ با این حال فاقد عیب نیز نیست. بسیاری از معایب تحلیل مضمون، بیشتر به اجرای ضعیف آن یا مناسب نبودن سؤالات تحقیق برمی‌گردد تا به خود روش.

جدول ۹. مزایای تحلیل مضمون (Braun & Clarke, 2006)

مزیت	ردیف
انعطاف‌پذیری	۱
یادگیری و اجرای نسبتاً آسان و سریع	۲
قابل استفاده برای پژوهشگران بی‌تجربه یا کم‌تجربه در زمینه تحقیقات کیفی	۳
عرضه نتایج قابل عرضه و استفاده برای همه افراد تحصیل‌کرده	۴
روش مفیدی برای تحقیقات مشترک با همکاران و شرکت‌کنندگان در تحقیق	۵
امکان تلخیص مفید ویژگی‌های کلیدی متن یا عرضه توصیفی جامع از مجموعه داده‌ها	۶
امکان برجسته کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در کل داده‌ها	۷
امکان مطرح شدن ایده‌های پیش‌بینی‌ناپذیر	۸
امکان تفسیر اجتماعی یا روان‌شناسی از داده‌ها	۹
روش مفیدی برای تحلیل‌های کیفی مناسب جهت تدوین خط‌مشی	۱۰

تحلیل مضمون، روش پیچیده‌ای نیست. انعطاف‌پذیری این روش - که طیف گسترده‌ای از ابزارها و تحلیل‌ها را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد - بدین معنی است

که طیف گسترده‌ای از چیزها را می‌توان به داده‌ها نسبت داد. اگر چه انعطاف‌پذیری، مزیت تحلیل مضمون است اما می‌تواند عیب نیز باشد زیرا رهنمودهای خاصی برای تحلیل‌های سطح بالاتر عرضه نمی‌کند؛ از این رو، ممکن است پژوهشگر خودش تصمیم بگیرد که به چیزی در داده‌ها تمرکز کند.

عیب دیگر تحلیل مضمون، به هنگام مقایسه این روش با سایر روش‌های تحلیل کیفی آشکار می‌شود. مثلاً، بر خلاف روش‌های روایت یا شرح‌حال‌نویسی، پژوهشگر نمی‌تواند حالت تداوم و تناقض موجود میان داده‌ها را حفظ کند و این تناقض‌ها و ناهمخوانی‌های میان داده‌ها ممکن است نشان داده شود. همچنین، بر خلاف روش‌های تحلیل گفتمان یا تحلیل محتوا، تحلیل مضمون ساده به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد درباره زبان استفاده‌شده در متن، ادعاهایی کند (Braun & Clarke, 2006).

۹. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رشد سریع تحقیقات کیفی در سال‌های اخیر، منجر به برداشتن گامی مثبت در جهت درک عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی و پویایی آن‌ها شده است. با این حال، هنوز ابزارهای مناسبی برای تحلیل داده‌های کیفی، به اندازه کافی، وجود ندارد. در حالی که به مسائل مربوط به چرایی، چگونگی و زمان به‌کارگیری روش‌های کیفی، توجه ویژه‌ای شده است؛ اما به نحوه تحلیل داده‌های متنی که پژوهشگران کیفی در مرحله پایانی جمع‌آوری داده عرضه می‌کنند کمتر توجه شده است. این موضوع، یکی از مشکلات پژوهشگران، خصوصاً پژوهشگران علوم اجتماعی است که از روش‌های کیفی استفاده می‌کنند (Attride-Stirling, 2001).

یکی از روش‌های کارآمد تحقیقات کیفی، تحلیل مضمون است که هم‌اکنون به عنوان روش تحلیل، تجلیل و تعریف چندانی از آن نمی‌شود؛ چرا که این روش کمتر معرفی، ولی بیشتر استفاده شده است. این بدان معنی است که تحلیل مضمون ظاهراً روشی است که هر کسی به آسانی و بدون داشتن دانش یا مهارت خاص (که برای تحقیقات پیچیده‌تر و تحسین‌شده‌تر مانند نظریه داده‌بنیاد و تحلیل گفتمان لازم است) از آن استفاده می‌کند. این مقاله، چنین نگرشی را به نقد کشیده و نشان می‌دهد که

تحلیل مضمون می‌تواند تحلیل‌های معقولی کند و به سؤالات خاص تحقیق به خوبی پاسخ دهد.

در این مقاله، تحلیل مضمون و فنون و فرایندهای به‌کاررفته در آن همراه با مثال‌هایی عرضه شد تا به پژوهشگران در شناخت الگوهای موجود در داده‌های متنی کمک کند. اما برای استفاده بیشتر و مفیدتر از این روش، پیشنهاد می‌شود که: از روش تحلیل مضمون و فنون آن برای تحلیل داده‌های کیفی مختلف از جمله مصاحبه‌ها، گروه‌های کانونی، پرسشنامه‌های باز و متون دینی (قرآن و حدیث) و تاریخی (سنت) استفاده شود.

در مطالعات مختلف، به مقایسه نتایج این روش با سایر روش‌های کیفی پرداخته شود.

با توجه به گستردگی مضامین و فنون تحلیل مضمون، هر پژوهشگری از روش و ابزارهای مناسب خود استفاده کند.

با توجه به تنوع روش‌های کیفی، قبل از هر اقدامی، از تناسب روش تحقیق با سؤالات تحقیق اطمینان حاصل شود تا در زمان مناسب، نتایج خوبی به دست آید. به دام‌ها و خطاهای احتمالی فرایند تحلیل مضمون و مرور ادبیات نظری به دقت توجه و از آن‌ها اجتناب شود.

از تحقیقات گذشته و تجارب افرادی که از این روش استفاده کرده‌اند جهت اجرای درست تحقیق بهره‌برداری شود.

از نرم‌افزارهای مناسب تحلیل مضمون استفاده شود؛ زیرا به‌کارگیری چنین نرم‌افزارهایی، در تسهیل فرایند تحلیل و نیز کاهش زمان اجرای آن نقش مهمی ایفا می‌کند.

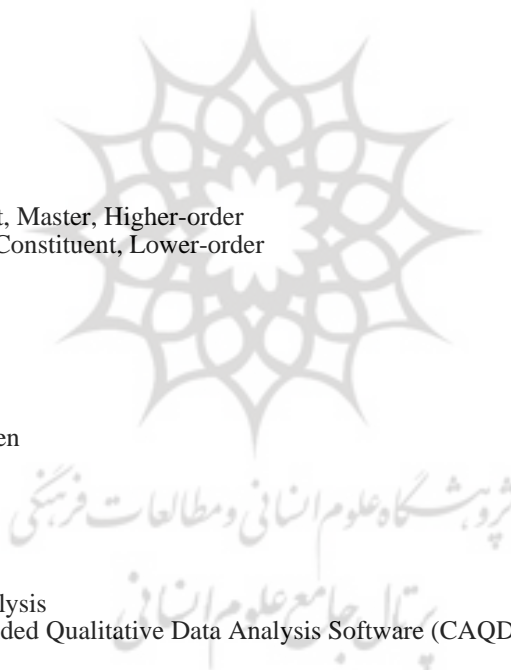
یادداشت‌ها

1. Thematic Analysis
2. Boyatzis
3. Ryan
4. Bernard
5. Braun

6. Clarke
7. Transforming qualitative information: thematic analysis and code development
8. Charls Smith
9. Motivation and Personality: Handbook of Thematic Content Analysis
10. King
11. Attride-Stirling

۱۲. مثال‌های این مقاله، برگرفته از نتایج این تحقیق است.

13. Conversation Analysis
14. Interpretative Phenomenological Analysis
15. Grounded Theory
16. Discourse Analysis
17. Content Analysis
18. Thematic Decomposition Analysis
19. Thematic Content Analysis (TCA)
20. Theme
21. Theme
22. Feature
23. Priori
24. Final
25. Descriptive
26. Interpretive
27. Relational
28. Main, Parent, Master, Higher-order
29. Sub, Child, Constituent, Lower-order
30. Global
31. Organizing
32. Basic
33. Semantic
34. Latent
35. Data-driven
36. Theory-driven
37. Overarching
38. Integrative
39. Key
40. Free
41. Tree
42. Textaul Analysis
43. Computer-Aided Qualitative Data Analysis Software (CAQDAS)
44. Nodes
45. References
46. Template Analysis
47. Sources
48. Thematic Matrix
49. Miles
50. Huberman
51. Thematic Network
52. Comparative Analysis
53. Rich Description vs. Detailed Account



54. Inductive (Data-driven) vs. Deductive (Theory-driven)
55. Semantic vs. latent Themes
56. Credibility vs. Validity
57. Transferability vs. Generalisability
58. Trackable Variance vs. Reliability
59. Confirmability vs. Neutrality
60. Independent Coders and Expert Panels
61. Inter-rater Reliability
62. Subjectivity
63. Neuendorf
64. The content analysis guidebook
65. Holsti' PAO
66. Krippendorff' α
67. Kohen' Kappa
68. Scott' Pi
69. Percentage of Agreement Observation (PAO)
70. Triangulation
71. Thick Description and Audit Trails

کتابنامه

- شیخزاده، محمد (۱۳۹۰)، تدوین الگوی رهبری خدمتگزار از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقایسه آن با برخی از الگوهای رهبری خدمتگزار در مدیریت نوین، رساله دکتری (در دست چاپ)، دانشگاه تهران.
- محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۷)، روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، تهران: گنجینه علوم انسانی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- Ahn, M. J. (2011), *Is The Aeneid Relevant to Modern Leadership?* Master of Arts Thesis, Victoria University of Wellington.
- Anderson, R. (2007), *Thematic Content Analysis (TCA): Descriptive Presentation of Qualitative Data*, Institute of Transpersonal Psychology, Retrived from <http://www.wellknowingconsulting.org/publications/pdfs/ThematicContentAnalysis.pdf>
- Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
- Boyatzis, R. E. (1998), *Transforming qualitative information: thematic analysis and code development*, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.

- Chu, H. (2008), *Employee Perception of Servant Leadership and Job Satisfaction in a Call Center: A Correlational Study*, Doctor of Management in Organizational Leadership Dissertation, University Of Phoenix, UMI No. 3326206.
- Crippen, C. L. (2004), *Three Women Pioneers In Manitoba: Evidence Of Servant-Leadership*, Doctor of Philosophy Dissertation, University of North Dakota, Canada.
- Crosby, R. (2008), *An Analysis Of Leadership Behavior In Extreme Military Contexts*, Master Of Business Administration Thesis, Naval Postgraduate School, Lieutenant, United States Navy.
- Delaney, L., Egan, M. & O'Connell, N. (2011), *The Experience of Unemployment in Ireland: A Thematic Analysis*, Discussion Paper Series, UCD Geary Institute.
- Fereday, J., & Muir-Cochrane, E. (2006), "Demonstrating Rigor Using Thematic Analysis: A Hybrid Approach of Inductive And Deductive Coding And Theme Development", *International Journal of Qualitative Methods*, Vol. 5, No. 1, Pp. 80-92.
- Forest, D. & Piron, J. M. S. (2002), *From Mathematical Classification to Thematic Analysis of Philosophical Texts*, Montreal: Universite du Quebec a Montreal.
- Holloway, I. & Todres, L. (2003), "The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence", *Qualitative Research*, Vol. 3, No. 3, Pp. 345-357.
- King, N. (1998), "Template analysis", in G. Symon and C. Cassell (eds.) *Qualitative Methods and Analysis in Organizational Research*, London: Sage.
- Id. (2004), "Template analysis", in G. Symon and C. Cassell (eds.) *Essential Guide To Qualitative Methods In Organizational Research*, SAGE Publications, London
- King, N., & Horrocks, C. (2010), *Interviews in qualitative research*, London: Sage.
- Lincoln, Y. & Guba, E. (1985), *Naturalistic Inquiry*, Beverly Hill, CA: Sage.
- Midrash, M. (2011), *Thematic Analysis: The Secret to Rightly Dividing the Torah of Life*, Retrieved from <http://restorationoftorah.org>
- Miles, M. B. & Huberman, A. M. (1994), *Qualitative Data Analysis: An Expanded Sourcebook*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Millar, P. (2010), *Leadership In Learning And Change: An evaluation of leadership in the context of implementing a bible college programme*, Master of Educational Leadership and Management Thesis, Unitec Institute of Technology.
- Mullen, C. A. & Kochan, F. K. (2000), "Creating a collaborative leadership network: An organic view of change", *International Journal of Leadership in Education*, Vol. 3, No. 3, Pp. 183-200.
- Namey, E., Guest, G., Thairu, L. & Johnson, L. (2007), "Data Reduction Techniques for Large Qualitative Data Sets", In Guest G. & MacQueen K. M. (Eds.), *Handbook For Team-Based Qualitative Research* (Pp. 137-162), United Kingdom: AltaMira Press.
- Patton, M. Q. (1990), *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Ponsford, K. R. & Lapadat, J. C. (2001), "Academically Capable Students Who Are Failing In High School: Perceptions about Achievement", *Canadian Journal of Counselling*, No. 35, Pp. 137-156.
- Richards, L. (2008), *Teach Yourself NVivo 8: Tutorials by Lyn Richards*, Retrived From www.lynrichards.org.

- Ryan, G. W. & Bernard, H. R. (2000), "Data Management and Analysis Methods", In Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Eds.), *Handbook of qualitative research* (Pp. 769-802.), Thousand Oaks, CA: Sage.
- Id. & Id. (2003), "Techniques to Identify Themes", *Field Methods*, Vol. 15, No. 1, Pp. 85-109.
- Smith, C. P. (1992), *Motivation and Personality: Handbook of Thematic Content Analysis*, USA: Cambridge University Press.
- Stanford, J. H., Oates, B. R. & Flores, D. (1995), "Women's leadership styles: A heuristic analysis", *Women in Management Review*, Vol. 10, No. 2, Pp. 9-16.
- Tan, H. H. & Wee, G. (2002), "The role of rhetoric content in charismatic leadership: A content analysis of a Singaporean leader's speeches", *International Journal of Organization*, Vol. 5, No. 3/4, Pp. 317-356.
- Tuckett, A. G. (2005), "Applying thematic analysis theory to practice: a researcher's experience", *Contemporary Nurse*, No. 19, Pp. 75-87.
- Tummers, L. & Karsten, N. (2011), "Reflecting on the Role of Literature in Qualitative Public Administration Research: Learning From Grounded Theory", *Administration & Society*, published online 24 August 2011.
- Vali, K. S. (2010), *Women Leading in Silence in Papua New Guinea Higher Education*, Master of Educational Leadership Thesis, University of Waikato, New Zealand.
- Wickham, M. & Woods, M. (2005), "Reflecting on the Strategic Use of CAQDAS to Manage and Report on the Qualitative Research Process", *The Qualitative Report*, Vol. 10, No. 4, Pp. 687-702, Retrieved From <http://www.nova.edu/ssss/QR/QR10-4/wickham.pdf>